۶۶
سال یازدهم
شماره پنجم

مجلهٔ حقیقت

علمی فرهنگی جهادی

ذوالقعده و ذوالحجه ۱۴۴۵ هـ ق *جوزا و سرطان ۱۴۰۲ هـ ش *جون و جولای ۲۰۲۴ م







دافغانستان اسلامي امارت

مجله علمی فرهنگی جهادی
حقیقت

سال یازدهم، شماره پنجم

ذوالقعده و ذوالحجه ۱۴۴۵ هـ ق

جوزا و سرطان ۱۴۰۳ هـ ش

جون و جولای ۲۰۲۴ م





مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندهٔ آراءِ و نظریات نویسندگان آن مطالب است.

مجله در ویرایش و تصحیح نوشته‌های نویسندگان دست باز دارد.
ادارهٔ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگری را برعهده نمی گیرد.

فهرست مضامین

صفحه توئیتر مجله حقیقت: @HaqiqatMagazine

تماس:
Haqiqat_mag@yahoo.com


۰۰۹۳-۷۹۹۷۰۰۴۰۴

کلام نخست

موفقیت‌های بی‌شمار امارت اسلامی، علی رغم تبلیغات منفی غرب؛

تامین مالی بودجه ملی بار دیگر از منابع داخلی، بودجه‌ای که توشیح شد

از سه سال به این سو که امارت اسلامی بر افغانستان حاکم شده است، برعکس تبلیغات منفی خارجی‌ها، توانسته است بودجه ملی را از داشته‌های داخلی تامین کند.

افغانستان طی سه سال اخیر، بهتر و بیشتر از چهل سال قبل آن، توانسته داشته‌های داخلی را مدیریت و به یک دست‌آورد کم‌نظیر از جمله، توشیح بودجه ملی که از منابع داخلی تامین شده، برسد.

در بیست سال حاکمیت گذشته که کمک‌های خارجی به افغانستان سرازیر و بودجه ملی با کمک‌های خارجی تکمیل می‌شد، باز هم مشکلات فراوانی وجود داشت و نمی‌توانست به نیازمندی‌های داخلی، جواب‌گو باشد.

اما به دلیل این که حمایت کشورهای غربی را با خود داشت، کسی از کم کارآیی مسئولان در ۲۰ سال یادی نکرد اما طی این سه سال که امارت اسلامی توانسته با توجه به منابع دست داشته، بودجه ملی را تامین و نیازمندی‌ها را برآورده سازد، شعاع‌های تبلیغات منفی دشمنان از هر سو، پرتاب می‌شود.

تا دو سال قبل، تبلیغات چنین بود که امارت اسلامی توانایی مدیریت وضعیت را نداشته و بخاطر نبود کمک‌های خارجی، از لحاظ مالی، متلاشی خواهد شد.

اما این تبلیغات، یک بار دیگر توشیح بودجه ملی در سال جاری، به خاک یکسان شد و حقانیت اخلاص و تلاش مسئولان امارت اسلامی بخاطر خدمت به وطن و مردم افغانستان، به اثبات رسید.

بدون شک، توکل به خداوند متعال، اراده‌ی قوی، خدمت صادقانه، اخلاص، خیرخواهی و جدیت، عواملی بوده که حکومت ا.ا.افغانستان را قادر ساخته تا با وجود تحریم‌های جهانی و تبلیغات گسترده منفی برخی از کشورهای غربی، سرپای خود ایستاده شود و بودجه ملی را از داشته‌های داخلی، تامین نماید.



جوانمردی و جایگاه آن در افغانستان

اهمیت همکاری و همیاری در کمک به آسیب‌دیدگان سیلاب‌ها

احمدالله جلالی

جوانمردی، به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی و فرهنگی، در تاریخ و فرهنگ افغانستان جایگاه ویژه‌ای دارد. این مفهوم که شامل عناصری نظیر شجاعت، سخاوت، همدلی و انصاف است، نه تنها در مناسبات فردی بلکه در تعاملات اجتماعی و ملی نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. در کشوری که با چالش‌های متعددی مانند جنگ، فقر و حوادث طبیعی مواجه است، جوانمردی به‌عنوان یک ارزش محوری می‌تواند نقشی حیاتی در ایجاد همبستگی و تقویت بنیان‌های اجتماعی ایفا کند. در این مقاله، ضمن بررسی جایگاه جوانمردی در فرهنگ افغانستان، به اهمیت همکاری و همیاری، به ویژه در مواجهه با بحران‌هایی نظیر سیلاب‌ها، پرداخته خواهد شد.

جوانمردی در فرهنگ افغانستان؛

جوانمردی در افغانستان ریشه‌ای عمیق در تاریخ و سنت‌های این سرزمین دارد. این مفهوم در ادبیات و فولکلور افغان‌ها به‌خوبی نمایان است و همواره به‌عنوان یک ارزش والا مورد ستایش قرار گرفته است. قهرمانان ملی و شخصیت‌های تاریخی افغانستان، به دلیل جوانمردی و شجاعتشان در حافظه جمعی مردم جایگاه ویژه‌ای دارند.

عناصر جوانمردی؛

۱. شجاعت و دلاوری: شجاعت در افغانستان تنها به معنای جنگاوری نیست بلکه شامل ایستادگی در برابر ظلم و ناحق نیز می‌شود. افراد جوانمرد از دفاع ضعیفان و کمک به نیازمندان دریغ نمی‌کنند.

۲. سخاوت و بخشش: سخاوت یکی از ارکان اساسی جوانمردی است. مردم افغانستان همواره به مهمان‌نوازی و بخشش شهرت داشته‌اند. این ویژگی در شرایط بحران و نیاز، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

۳. وفاداری و انصاف: جوانمردان افغان به اصول انصاف و عدالت پایبندند و همواره در تلاشند تا حقوق دیگران را رعایت کنند. وفاداری به دوستان و خانواده نیز از ویژگی‌های بارز جوانمردی در این فرهنگ است.

٤. همدلی و همیاری: یکی از مهم‌ترین جلوه‌های جوانمردی، همدلی و همیاری با دیگران است. این ویژگی به‌ویژه در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و طبیعی بسیار حائز اهمیت است.

همکاری و همیاری: از ارزش‌های بنیادی جوانمردی؛

همکاری و همیاری به‌عنوان اصول اساسی جوانمردی، نقش حیاتی در مواجهه با بحران‌ها و چالش‌های اجتماعی دارند. در کشوری که با مشکلات متعددی مانند جنگ، فقر، و حوادث طبیعی دست‌وپنجه نرم می‌کند، این ارزش‌ها می‌توانند به تقویت همبستگی اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی مردم کمک شایانی کنند.

اهمیت همکاری و همیاری در مواجهه با سیلاب‌ها؛

سیلاب‌ها یکی از حوادث طبیعی مخرب در افغانستان هستند که هر ساله خسارات جانی و مالی فراوانی به‌بار می‌آورند. در چنین شرایطی، همکاری و همیاری مردم و نهادهای مختلف می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش آسیب‌ها و بهبود شرایط داشته باشد. در ادامه به برخی از ابعاد اهمیت همکاری و همیاری در مواجهه با سیلاب‌ها پرداخته می‌شود:

۱. نجات جان‌ها و کاهش تلفات: در زمان وقوع سیلاب، اولین و مهم‌ترین اقدام، نجات جان انسان‌هاست. همکاری مردم در اطلاع‌رسانی، امداد و نجات، و کمک به تخلیه مناطق خطر می‌تواند به کاهش تلفات جانی کمک کند.

۲. تأمین نیازهای اولیه: پس از وقوع سیلاب، افراد آسیب‌دیده به مواد غذایی، آب، پوشاک و پناهگاه نیاز دارند. همکاری مردم و نهادهای امدادی در جمع‌آوری و توزیع کمک‌ها می‌تواند به تأمین نیازهای اولیه آسیب‌دیدگان کمک کند.



۳. بازسازی و بازگشت به زندگی عادی: همکاری در بازسازی خانه‌ها، جاده‌ها و زیرساخت‌های تخریب شده پس از سیلاب، از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند به بازگشت سریع‌تر افراد به زندگی عادی کمک کند.

٤. پیشگیری و آمادگی برای آینده: همکاری در تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه و آمادگی برای مقابله با سیلاب‌ها، مانند ساخت سدها، ایجاد سیستم‌های هشداردهنده و آموزش عمومی، می‌تواند به کاهش خطرات و خسارات سیلاب‌های آینده کمک کند.

نمونه‌هایی از همکاری و همیاری در مقابله با سیلاب‌ها در افغانستان

در تاریخ معاصر افغانستان، نمونه‌های متعددی از همکاری و همیاری مردم در مواجهه با سیلاب‌ها

وجود دارد. این نمونه‌ها نشان‌دهنده اهمیت و تأثیرگذاری این ارزش‌ها در شرایط بحران هستند.

نمونه اول: سیلاب‌های حوزه غرب

سیلاب‌هایی که در ولایت هرات، غور و بادغیس سرازیر شد، خسارات زیادی به بار آورد، مردم محلی با همکاری نهادهای امدادی داخلی و بین‌المللی به کمک آسیب‌دیدگان شتافتند. این همکاری شامل تأمین مواد غذایی، آب آشامیدنی، پوشاک، و ارائه خدمات صحی به آسیب‌دیدگان بود. همچنین تیم‌های داوطلب محلی در تخلیه مناطق خطر و نجات جان انسان‌ها نقش مؤثری ایفا کردند.

نمونه دوم: سیلاب‌های شمال افغانستان

سیلاب‌های شدید در شمال افغانستان به ویژه در ولایات بغلان، بلخ و فاریاب، خسارات زیادی وارد کرد. در این مواقع، جوانان محلی به همراه نیروهای امدادی و نظامی، با تلاش شبانه‌روزی به کمک مردم شتافتند. آنها نه تنها در امداد و نجات و تأمین نیازهای اولیه مشارکت داشتند، بلکه در بازسازی مناطق تخریب‌شده نیز نقش فعالی ایفا کردند.

در دیگر مناطق کشور ما نیز سیلاب‌ها، خسارات زیاد جانی و مالی را بر مردم ما وارد ساخت.

اهمیت همکاری و همیاری از منظر اقتصادی و اجتماعی

بُعد اقتصادی

همکاری و همیاری در مواجهه با سیلاب‌ها، علاوه بر نجات جان‌ها و کاهش تلفات، می‌تواند تأثیرات مثبتی بر اقتصاد جامعه داشته باشد. با بازسازی سریع‌تر زیرساخت‌ها و بازگرداندن زمین‌های زراعتی به بهره‌برداری، می‌توان از بحران اقتصادی پس از سیلاب‌ها جلوگیری کرد. همچنین، همکاری در تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه می‌تواند هزینه‌های بلندمدت ناشی از سیلاب‌ها را کاهش دهد.

بُعد اجتماعی

همکاری و همیاری در شرایط بحران می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی و افزایش اعتماد بین افراد و نهادها منجر شود. در جامعه‌ای که با مشکلات متعددی مانند فقر و جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کند، تقویت این همبستگی‌ها می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی و روانی مردم کمک کند. همچنین، افزایش اعتماد به نهادهای امدادی و دولتی می‌تواند به بهبود عملکرد این نهادها و افزایش کارایی آنها در مواجهه با بحران‌ها منجر شود.

نتیجه‌گیری

جوانمردی به‌عنوان یکی از ارزش‌های اساسی در فرهنگ افغانستان، نقشی حیاتی در ایجاد همبستگی و تقویت بنیان‌های اجتماعی ایفا می‌کند. همکاری و همیاری، به عنوان جلوه‌های مهم جوانمردی، می‌توانند در مواجهه با بحران‌هایی نظیر سیلاب‌ها نقش مؤثری داشته باشند. نمونه‌های متعددی از همکاری و همیاری مردم افغانستان در مواجهه با سیلاب‌ها نشان‌دهنده اهمیت و تأثیرگذاری این ارزش‌ها در شرایط بحران هستند.

در نهایت، ترویج و تقویت ارزش‌های جوانمردی، همکاری و همیاری می‌تواند به بهبود وضعیت زندگی مردم و کاهش آسیب‌های ناشی از حوادث طبیعی کمک شایانی کند. از این رو، لازم است که این ارزش‌ها نه تنها در سطح فردی بلکه در سطح ملی نیز مورد توجه و تقویت قرار گیرند تا افغانستان بتواند با چالش‌ها و بحران‌های پیش‌رو به‌طور مؤثرتری مقابله کند.



جایگاه ارزش‌های تاریخی فرهنگی در زندگی مردم افغانستان

محمد صدیق میر

شکی وجود ندارد که افغانستان من‌حیث یک کشور تاریخی فرهنگی در سطح جهان از دیر باز مطرح بوده و در آینده نیز همچنان مورد توجه باقی خواهد ماند. حالا پرسشی به میان می‌آید که آیا این مسایل و موضوعات تاریخی فرهنگی که از آن نام می‌بریم بر زندگی مردم و باشندگان این کهن دیار تأثیر داشته است یا خیر؟ به این سوال پاسخ می‌دهیم.

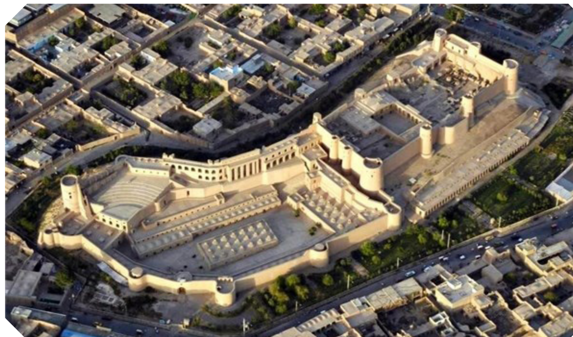
ابتدا می‌بینیم که تاریخ ریشه‌دار این کشور تا به کجاها می‌رسد. معمولا در رسانه‌ها خواه چاپی بوده باشند و خواه تصویری، از افغانستان من‌حیث یک کشوری که چندین تمدن بزرگ را قبل از اسلام مبداء و شاهد رشد و شکوفائی آنها بوده به روشنی و وضاحت نام می‌برند. این می‌رساند که پیشینه تاریخی افغانستان به مراتب طولانی تر از آنچه که ما امروز پنج هزار سال می گوییم، می‌باشد.

هر یک از این تمدن‌ها از جمله تمدن بزرگ اسلام که بالای آن مکث ویژه خواهیم داشت، از خویش ارزش‌های تاریخی فرهنگی بی‌شماری را به ارمغان گذاشته‌اند.

در یک هزار و چهار صد سالی که از دین مبین اسلام می گذرد کشور ما شاهد ارزش‌های تاریخی فرهنگی بسیاری بوده که به نحوی از انحا بر زندگی مردم افغانستان تأثیرات مثبت و شگرف خویش را بجا گذاشته است و بسیاری از ولایات افغانستان شاهد نتایج این تأثیرات عظیم بوده‌اند؛ که می‌توان از هرات باستانی لوی قندهار، بلخ ام البلاد، کابل زیبا، سمنگان و بامیان ننگرهار همیشه بهار، کنرها و غیره نام برد.

هر یکی از این ولایات که ذکر خیرشان رفت، شاهد رشد و شکوفائی ارزش‌های تاریخی فرهنگی در خویش بوده‌اند. هر یکی از این ولایات و دیگر ولایات افغانستان شاهد و ناظر ده‌ها، بلکه صدها اثر تاریخی فرهنگی بوده که اکثرا توسط مردم بومی و محل ساخته و پرداخته شده‌اند که به حق دارای ارزش فوق‌العاده و منحصر به فرد می‌باشند.

خانقاه‌ها، رباط‌ها، دارالشفاء‌ها کتابخانه‌ها، مدارس علمی، مساجد، حوزه‌های علمیه، چله خانه‌ها، پل‌های تاریخی و تفرجگاه‌ها مثال عمده‌ای



از ارزش‌هایی‌اند که به گونه‌ای از دو جانب مادی و معنوی بر زندگی مردم تأثیرات مثبت و ملموس خویش را بجا گذاشته و این روند تأثیرگذاری هم چنان ادامه دارد. اما از بعد تأثیر پذیری مادی هرگاه دو ولایت کلان هرات و بامیان را مد نظر بگیریم که دارای بیشترین آثار و بناهای تاریخی‌اند و سالانه صدها بلکه هزاران تن از گردشگران داخلی و خارجی در آنها سفر می‌نمایند و این خود می‌تواند مزیت‌ها و منفعت‌هایی را هم برای ادارات مربوطه دولتی و هم برای کسبه‌کاران و دکان‌داران و کسانی که اقدام به تولید انواع کالاهای دستی می‌زنند، در پی داشته باشد بخصوص دکان دارانی که کالاهای دستی و بومی تولید و در معرض فروش قرار می‌دهند که مورد علاقه و پسند سیاحان و گردشگران خارجی و داخلی نیز می‌باشد. هم از طریق فروش صنایع دستی مقداری پول کمائی می‌نمایند و هم فرهنگ و هنر محلی و صنایع دستی‌شان به طریقی زنده‌تر و بالنده می‌شود چه این خود می‌تواند به‌شکلی بر رونق زندگی روزمره مردم مؤثر بوده باشد؛ و تردیدی هم وجود ندارد.

اما از بعد معنوی نیز این ارزش‌های تاریخی فرهنگی بر زندگی مردم تأثیرات و جایگاه خویش را دارا می‌باشد که کمتر از بعد مادی آن نمی‌تواند باشد. بطور مثال هرگاه از دومین برج یا منار خشتی جهان یادی و سخنی به میان می‌آید همین بنای تاریخی و گنجینه معماری فرهنگی منار جام ولایت غور است که در دیدگان‌مان مجسم می‌شود. این منار خشتی هم فرهنگ است هم هنر است هم معماری است هم تاریخ است و هم ارزش والا که توسط صاحبان امپراتوری غوریان در صده ششم هـ بنا یافته است. مردم افغانستان به آن مباهات می‌نمایند و جزئی از میراث بشریت نیز محسوب می‌شود.

هکذا قلعه اختیار الدین هرات که تاریخ بنای آن به پیش از اسلام می‌رسد. بند امیر بامیان، شهر آی خانم (ماه خانم) تخار، چهل زینه تاریخی قندهار، شهر تاریخی بگرام، قلعه تاریخی و تاق بست در هلمند و دو حصار رفیع البنیان کالیون و فیوار در بادغیس که به سبب دست نیافتنی‌شان، خواب از دل سپاه خونریز چنگیز ربوده و یکسال و چهار ماه در مقابل تهاجمات پی در پی مغولان مردانه ایستادگی کردند و در حصانت و استحکامات این دو بنای تاریخی همه متفق القول‌اند که احسن حصون الدنیا و احسنها می‌باشد که همه ملت افغانستان به چنین ارزش‌های تاریخی فرهنگی که علاوه از منفعت

مادی که دارند سرشار از مزیت‌های معنوی نیز می‌باشند و منحصراً و به طریقی به مردم محل همان سامان رجعت می‌نماید آگاه‌اند.

پرسش دیگری نیز در اینجا به وجود می‌آید که این همه داشته‌ها و ارزش‌های تاریخی فرهنگی که در اکثر ولایات کشور من‌حیث گنجینه‌ها مشاهده می‌شوند و بر زندگی مادی و معنوی مردم تأثیرات فوق‌العاده داشته‌اند، توسط چه کسانی و یا در کدام دوره‌های تاریخی بنا یافته‌اند؟

از یکی چند دوره تاریخی که تاریخ روشنی دارند و صدها بنای تاریخی فرهنگی با ارزش از خویش به ودیعه گذاشته‌اند به اجمال و حرمت یادی می‌نماییم و آنگاه از مشاهیر و رجال هنرپرور از سلسه سلجوقیان که مدتی در این خطه کهن حاکمیت داشته و از خویش آثار و خاطراتی بجا گذاشته‌اند می‌توان نام برد.

به همین ترتیب از غزنویان که تاریخ و عمل‌کردشان اظهر من الشمس است، نیز می‌توان به نیکوئی خاطرنشان نمود و کمتر جایی است که سلاطین غزنه؛ سلطان محمود غزنوی و سلطان مسعود غزنوی بنای نفیس به یادگار نگذاشته باشند. سلسله غوریان که پهنای امپراتوری و حکومتش تا کجاها که نرسیده بود. آل کرت که از دل و جان به این سرزمین دل بسته بودند و قریب یک و نیم صده این سرزمین را از بسیاری بلایا و مصایب و هجوم کشورگشایان نگه داشتند به نیکوئی یاد کرد.

سلسله درخشان تیموریان هرات که ساحه و قلمروشان خاورمیانه را در نوردیده بود. شاهان صاحبقرانی چون خاقان سعید شاهرخ میرزای تیموری همراه با خانم با درایتش ملکه گوهرشاد بیگم که فرمان عمارت آرامگاه پیر هرات شیخ‌الاسلام حضرت خواجه عبدالله انصاری هروی قدس سره العزیز را صادر نمود. سلطان ابوسعید گورکان که در دوره‌اش ده‌ها اثر با ارزش و ذی‌قیمت تاریخی بدست ماهرترین استادان فاضل هنرمندانه ساخته شده‌اند، خاقان منصور سلطان حسین بایقرا که پادشاه دیندار و خیرخواه ملت بود، آثار خیر و بناهای نفیس تاریخی - فرهنگی‌اش و به‌ویژه فرمان عفو مالیات که بالای سنگ مرمر سفید با عالی‌ترین خط مکتوب و محکوک است؛ نام برد.

و همچنان از سلطان غیاث الدین غوری که در بازسازی و بزرگ‌سازی پنجمین مسجد تاریخی در جهان اسلام نقش بزرگی داشت، می‌توان نام گرفت. با پاسخ دادن به چند سوال مطروحه به این نتیجه کلی و مشهود می‌رسیم که داشته‌های تاریخی فرهنگی بر خوبتر شدن زندگی مردم ما هم از منظر مادی و هم از نگاه معنوی تأثیرات مثبت و شگرف خویش را داشته است.

بنابراین و به منظور حرمت گذاشتن، بر ما و همه‌ی مردم عزیز القدر افغانستان است تا از ارزش‌ها و بناهای فرهنگی تاریخی خویش که از نیاکان با ایمان و هنرمند ما برای ما به ودیعه گذاشته شده و وجود مبارکشان نه تنها بر زندگی امروزیان بلکه بر رونق زندگی نسل‌های آینده نیز تأثیر مثبت خواهد داشت در حراست و مراقبت آنها از دل و جان بکوشیم که وجود چنین آثاری دیگر هرگز در عصر حاضر که عصر تکنالوژی گفته می‌شود، تکرار و بنا نخواهد یافت.

***



راه حل مشکلات سیاسی بین‌الدولی در جهان امروزی،

فقط از طریق گفت‌وگو و دیپلماسی

جاوید سلطانی

در جهان امروز، سیاست‌های یکطرفه جواب‌گو نیست، زیرا حقوق بین‌الملل و راه‌کارهایی که جهان امروز در نظر گرفته، می‌طلبد که کشورها، با هم مطابق به یک سلسله قوانین و ارزش‌های بین‌المللی که بر اساس احترام حقوق متقابل بنا یافته، رفتار نمایند.

حکومت‌ها در جهان، بخاطر حل و فصل موارد مختلف و استحکام روابطشان با همدیگر، نهادهای مشخصی از جمله وزارت امور خارجه، سازمان ملل، اتحادیه‌ها و مواردی از این قبیل را ایجاد کردند.

این نهادها، در جهان امروز برای سیاست خارجی کشورها از اهمیت زیادی برخوردارند و توانسته‌اند برعلاوه مستحکم‌سازی روابط بین کشورها، مشکلات را حل و سهولت‌ها را برای تبادلات در عرصه‌های مختلف، ایجاد کنند.

هر مشکلی که بین کشورها ایجاد می‌شود، توسط این نهادها و در سطح بین‌المللی، توسط سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی که با وزارت‌های خارجه و نهادهای مربوط به آن در ارتباطند، حل و فصل می‌گردد.

در چارچوب وزارت خارجه کشورها، افرادی گماشته می‌شوند که مسئول حقوقی بخاطر گفت‌وگو و حل موضوعات، در چارچوب قانون کشورشان و قوانین بین‌المللی بوده و بخاطر حل مشکلات و گفت‌وگوها، کار می‌کنند.

وقتی یک کشور درباره موضوعات مختلف مربوط به کشورهای دیگر می‌خواهد ابراز نظر کند، باید از راه‌های دیپلماتیک اقدام کند تا هم جنبه قانونی پیدا کرده، هم در امور کشورهای دیگر مداخله نکند و هم به روابط بین دو کشور صدمه وارد ننمایند.

این موضوع، همان احترام متقابل است که کشورها

باید براساس قوانین و مقررات بین‌المللی، نسبت به هم داشته باشند.
متاسفانه شماری از قدرت‌های بزرگ در جهان، با استفاده از قدرت و جایگاهشان در نهادهای بین‌المللی، اقدام به برخی از عملکردهای خلاف قانون و خلاف ارزش‌های انسانی، علیه کشورهای ضعیف (از لحاظ جایگاه در نهادهای بین‌المللی و قدرت اقتصادی)، می‌کنند و این کشورها را تحت فشار قرار می‌دهند، اقدامی که هم از لحاظ حقوقی و هم از لحاظ ارزش‌های بشری، قابل قبول نیست.
یکی از نمونه‌ها، موضوعات افغانستان است که کشورهای مختلف در جهان به خود حق می‌دهند به راحتی درباره آن ابراز نظر کرده، کنفرانس برگزار کنند و حرف و حدیث‌های خلاف قانون و ارزش‌ها بگویند.
ما همواره شاهد برگزاری نشست‌ها و گفت‌وگوها از سوی کشورها و اقشار مختلف در خارج از افغانستان بوده‌ایم که درباره موضوعات داخلی افغانستان بحث کرده، ابراز نظر نموده، تصمیم گرفته و اعلامیه صادر می‌کنند، این همه در صورتی انجام می‌شود که هیچ نماینده‌ای از حکومت افغانستان در آن‌ها حضور نداشته، دیدگاه امارت اسلامی افغانستان شنیده نشده و به نوعی، به حقوق افغانستان بی‌اعتنایی و بی‌احترامی صورت گرفته است.
وزارت خارجه امارت اسلامی افغانستان همواره از کشورهای جهان خواسته که مشکلات و نظریاتی که دارند، از مراجع رسمی با حکومت افغانستان در میان بگذارند تا هم روابط بین کشورها حفظ شود و هم احترام متقابل نظر به قوانین بین‌المللی، رعایت گردد.
اما برخلاف ارزش‌ها و قوانین بین‌المللی، کشورهایی استند که به گفته مسئولان امور در افغانستان توجه نکرده، کارشان را بدون رعایت قوانین و مصوبات بین‌المللی در برابر افغانستان و ارزش‌های حاکم در آن، انجام می‌دهد.
این راه و رسم حکومت‌داری در جهان امروز نیست که برخی از کشورها، بخاطر داشتن قدرت اقتصادی و جایگاه سیاسی، از موقعیت و قدرت خود سوء استفاده کرده، دیگران را تهدید نمایند.
نه تنها آمریکا و غرب، بلکه تمام کشورهای جهان به خصوص کشورهای همسایه افغانستان و منطقه، باید جایگاه خود و افغانستان را بشناسند و مانند یک کشور مستقل با افغانستان رفتار کرده، موضوعات مختلف را از طریق مذاکره و گفت‌وگو و راه‌های قانونی، رفع نمایند.
امارت اسلامی افغانستان از اول به تمام کشورهای جهان اعلام کرد که دروازه‌های گفت‌وگو با حکومت افغانستان باز است و هر کشوری که موضوعی را دارد، باید از طریق مجراهای قانونی، اقدام به حل آن کند.
برخی کشورها در برابر افغانستان چنان سیاستی را پیاده می‌سازند که انگار افغانستان کشور نیست و بی‌صاحب است. در حالی که این کشور بیش از پنج هزار سال سابقه دارد و قبل از میلاد، میزبان و مرکز تمدنی مانند تمدن آریایی‌ها بوده که مرکزش در بلخ باستانی قرار داشته و همچنان مرکز بزرگ تجارت و علم و صنعت بوده که تاریخ گواهش است و این کشور از خود صاحب داشته و اکنون نیز صاحب دارد.
هر موضوعی که درباره افغانستان در نزد کشورهای جهان وجود دارد، باید از راه تفاهم و گفت‌وگو حل و فصل گردد و به جایگاه افغانستان، به عنوان یک کشور مستقل، احترام گذاشته شود.



صنعت توریزم در افغانستان

شفیقه امیری

گردشگری، سیاحت و یا هم توریزم بطور کلی به مسافرت‌های تفریحی گفته می‌شود که افراد بخاطر دیدن مناطق تفریحی و مکان‌های باستانی در سراسر جهان، برنامه‌ریزی کرده، از یک کشور به کشور دیگر سفر می‌نمایند.

این سفر برعکس دیگر سفرها، جنبه تبلیغی نیز دارد و معمولاً گردشگران مناطقی را انتخاب می‌کنند که خدمات بهتر، مکان‌های جذاب‌تر و امکانات بیشتری دارند.

موضوع گردشگری و سفر تفریحی بعد از جنگ دوم جهانی به عنوان یک صنعت مهم در همه‌ی کشورها جای گرفته است.

به دلیل اهمیت این صنعت و جایگاهی که در زندگی مردم به خود اختصاص داده است، پنجم میزان که برابر میشود با ۲۷ سپتامبر روز جهانی توریزم از سوی سازمان ملل نام نهاده شده است.

از سال ۱۹۸۰ بدین‌سو سازمان گردشگری ملل متحد و بعضی از کشورهای دیگر این روز را به عنوان روز جهانی گردشگری جشن می‌گیرند. افغانستان نیز در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی عضویت سازمان جهانی توریزم را کسب کرد.

گردشگری از اهمیت خاصی برای کشورها برخوردار است. زمانیکه گردشگران خارجی به یک کشور سفر می‌کنند، از مناطق فرهنگی و آبدات تاریخی بازدید نموده و در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌نمایند. همچنان درباره زیبایی‌هایی که دیده‌اند دست به نوشتن می‌زنند. از این طریق تعداد زیادی از افراد علاقمند شده و سعی می‌کنند از این مکان‌ها دیدن نمایند. گردشگران یک تصویر خوب و مثبت را در اذهان عمومی ایجاد نموده که این می‌تواند گردشگران بیشتری را برای کشور جذب نماید.

گردشگران هنگام ورود به یک کشور، مقداری هزینه را متحمل می‌شوند. مانند هزینه هتل، حمل و نقل،

تفریحات و تورها، گرفتن سوغاتی و چیزهای دیگر این هزینه‌ها می‌تواند سبب رونق اقتصادی کشور متذکره شود.

افغانستان دارای مناظر طبیعی زیاد بوده و بعضی از ولایات آن مانند هرات، بامیان، بلخ، کندهار، هلمند، ننگرهار، فراه، غور و غزنی بیشترین مکان‌های گردشگری را در خود جای داده است.

بعضی از مکان‌های گردشگری و پر جاذبه‌ی کشور عبارت‌اند از مکان‌های باستانی و طبیعی در بامیان، تخت رستم در سمنگان، مسجد جامع بزرگ هرات، آرامگاه خواجه عبدالله انصاری و قلعه اختیارالدین در هرات، زیارت سخی در مزار شریف، خرقه مبارکه، زیارت احمدشاه بابا و دیگر مکان‌های باستانی در کندهار و ده‌ها مکان مذهبی و تاریخی دیگر در ولایات مختلف که می‌تواند گردشگران زیادی را از سراسر جهان جذب نماید.

اما چرا افغانستان با این همه مکان‌های زیبا بازهم میزبان گردشگران کمتری هست نسبت به دیگر کشورها؟

مهم‌ترین دلیل این است که افغانستان همواره شاهد جنگ و ناامنی بوده است. در طول دهه‌های گذشته مردم ناامنی را تجربه کردند و افغانستان برای گردشگران خارجی تبدیل به یک محل ممنوعه شده بود. اما با آن هم در سال ۱۳۹۷ بر اساس آمار اداره توریزم افغانستان به تعداد ۷۰۶۴۴ شهروند خارجی از افغانستان بازدید نمودند.

در سال ۱۴۰۰ بعد از فروپاشی جمهوریت در افغانستان شاید بسیاری‌ها فکر کردند که افغانستان دیگر محل مناسبی برای گردشگری و سفر نیست، اما امارت اسلامی تلاش نمود تا اوضاع را کنترول نموده و امنیت را برای شهروندان و گردشگران خارجی برقرار سازد. که این تلاش‌ها درآمدن گردشگران به کشور نتیجه بخش نیز بوده است. چنانکه در سال ۲۰۲۳ {۱۴۰۲} بنابر گفته‌ی وزارت اطلاعات و فرهنگ آمار توریست‌های خارجی که از افغانستان دیدن نمودند ۱۲۰ درصد افزایش را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد. بر اساس آمار در طی سال ۲۰۲۳ یک هزار و ۲۰۰ گردشگر خارجی تنها به قصد بازدید از ولایت هرات وارد افغانستان شده‌اند. در سال ۱۴۰۱ نیز در مدت شش ماه ۱۱ هزار گردشگر داخلی و یک هزار گردشگر خارجی از آبدات تاریخی هرات دیدن نمودند.

با توجه به موجودیت آثار باستانی و تاریخی در کشور که زیادتر آنها جزء میراث‌های تاریخی یونسکو بشمار می‌روند، علاقه‌مندان و گردشگران نمی‌توانند روی افغانستان خط سرخ بکشند. از این جهت دولت باید در راستای امنیت شهروندان و گردشگران بیشتر تلاش نموده تا گردشگران بتوانند بدون کدام ترس و تهدیدی در افغانستان سفر کنند.

در قدم دوم حوادث طبیعی اخیر در کشور بسیاری ازآثار تاریخی و فرهنگی را در معرض خطر قرار داده است. قلعه اختیارالدین و مسجد جامع بزرگ هرات که پنجمین مسجد بزرگ در جهان است و بیش از ۱۴۰۰ سال قدمت دارد چندی پیش بر اثر زلزله آسیب دیده‌اند. یا هم منار جام غور که یکی از اثرهای ارزشمند تاریخی و جزء آثار فرهنگی ثبت شده در یونسکو بشمار می‌رود در خطر نابودی بر اثر سیلاب‌های اخیر در کشور قرار دارد. که باید برای بهبود و مرمت‌سازی آنها توجه شود.

دولت می‌تواند همه ساله مقداری از عواید گردشگران را برای بازسازی این آبدات اختصاص داده یا هم از طریق کمک مالی یونسکو به مرمت این آثار بپردازد.

عُثمان بن عفان (رضي الله عنه)

مردی که با الله معامله کرد

عبدالکریم عزیزی

حضرت عثمان ابن عفان رضي الله عنه، یار با وفا و داماد پیامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم، کسی که سرمایه‌اش را بخاطر رضای الله متعال و پیشرفت اسلام به مصرف رساند، امروز با گذشت بیش از هزار سال از زمانش، او همچنان در لیست افرادی است که حساب بانکی دارند.

داستان حضرت عثمان بن عفان رضي الله عنه، چنان داستانی است که انسان را شگفت زده می‌کند.

داستان هوتل عثمان بن عفان رضي الله عنه، سومین خلیفه بزرگ مسلمین که در پهلوی مسجد نبوی در مدینه منوره ساخته شده است، حکایت از معامله این ابرمرد تاریخ با خداوند متعال دارد.

داستان چنین است که بعد از هجرت مسلمانان از مکه مکرمه به مدینه منوره و زیاد شدن تعداد مسلمانان، ضرورت به آب آشامیدنی خیلی زیاد شد و چاه «رومه» که از بزرگترین چاه‌های آب شیرین در مدینه بود و همه‌ی مردم از آن آب استفاده می‌کردند، در ملکیت یک یهودی بود که آب آن را می‌فروخت. از یک دلو شروع تا یک قطره را بدون پول به کسی نمی‌داد.

زمانیکه حضرت عثمان غنی رضي الله عنه که فرد تاجر و ثروتمندی بود، این حالت را دید، نزد یهودی رفت و گفت: «می‌خواهم این چاه را به من بفروشی».

یهودی نپذیرفت.

حضرت عثمان غنی رضي الله عنه گفت: «نصف چاه را به من بفروش. یک روز تو آبش را بفروش و یک روز را هم من!».

یهودی به گمان این که ممکن حضرت عثمان غنی رضي الله عنه برای جمع‌آوری پول، نرخ را بالا ببرد و من هم فایده بیشتر بدست بیاورم، به این معامله راضی شد.

اما قضیه برعکس شد، مشتریان آب رفته‌رفته کم شدند تا این که مشتری‌ها کاملا ناپدید شدند.
یهودی متعجب شد و در جستجوی سبب گردید و بالاخره دریافت که حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه، روز نوبت خود را برای خدا وقف نموده و همه‌ی مردم آب را بشکل رایگان می‌برند.
مردم همه در روز نوبت حضرت عثمان غنی رضی الله عنه آب می‌گرفتند و در روزی که مختص به فرد یهودی بود، بسوی چاه نمی‌رفتند.
یهودی دید که تاوان می‌کند، نزد حضرت عثمان غنی رضی الله عنه رفت و باقی نصف چاه را در بدل ۲۰ هزار درهم به آن حضرت رضی الله عنه فروخت و خلیفه سوم مسلمانان حضرت عثمان غنی رضی الله عنه چاه را در راه خدا وقف کرد تا مسلمانان از آن چاه رایگان استفاده کنند.
بعد از مدتی، یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم نزد حضرت عثمان غنی رضی الله عنه آمد و گفت: دو چند قیمت آن پول می‌دهم، چاه را به من بفروش.
ابر مرد میدان حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه گفت: بیشتر کن.
فرد گفت: سه چند قیمتش.
حضرت عثمان رضی الله عنه گفت: بیشتر کن.
قضیه تا جایی پیشرفت که به نُه چند قیمتش رسید، باز هم حضرت عثمان غنی رضی الله عنه آن را نفروخت!
صحابی گفت: جای تعجب است، مشتری مثل من نمی‌یابی، چه کسی بیشتر از نُه چند برایت پول می‌دهد؟
سیدنا حضرت عثمان غنی رضی الله عنه گفت: الله جل جلاله! یک نیکی را به ده چند می‌دهد.
بعد از گذشت مدتی، درختان خرما در اطراف چاه غرس و رشد و نمو کردند که در ابتدا دولت عثمانی از آن حفاظت می‌نمود تا این که به باغی بزرگ تبدیل شد و بعد از آن که دولت سعودی روی کار آمد، نیز آن باغ را سرپرستی می‌نمودند تا این که تعداد درختان خرما به ۱۵۵۰ درخت رسید.
سر انجام، دولت سالانه حاصل باغ مذکور را به فروش می‌رسانید و پول آن را دو تقسیم می‌نمود، یک قسمت را به یتیمان و مساکین می‌داد و قسمت دیگر را وزارت اوقاف به نام حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه در یکی از بانک‌ها، حساب بانکی درست کرده بود و آنجا ذخیره می‌شد.
پول در بانک بیشتر می‌شد تا این که از همان پول یک مقدار زمین را در قسمت مرکزی پهلوی مسجد نبوی خریدند و بر روی آن یک هوتل بزرگی ازین پول آباد کردند.
آبادی هوتل حالا در مرحله نهایی خود قرار داشته و قرار است به شرکت هوتل پنج ستاره به کرایه داده شود که سالانه مفادش نزدیک به ۵۰ میلیون ریال سعودی میشود که نصفش به یتیمان و نصف دیگرش به نام عثمان ابن عفان رضی الله عنه به حساب بانکی‌اش گذاشته می‌شود تا از آن پول به امورات خیریه استفاده صورت گیرد.
زیباتر و عجیب‌تر این که همان زمین در دفاتر دولتی بنام حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه ثبت و راجستر شده است.
این تجارت که آغازش بخاطر رضای الله جل جلاله بود، ۱۴ قرن است که دوام دارد و هزاران موجود الهی، از نعمت‌اش، برخودار شده‌اند.
بلی! این همان تجارتی است که به فرموده قرآن کریم در سوره مبارکه توبه آیه ۱۱۱: خداوند از مؤمنان، جان‌ها و اموالشان را خریداری نموده، که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد.

***



بخش اول

نقش آرامش‌بخش زن در تحکیم خانواده از منظر آموزه‌های اسلامی

پوهیالی بهزاد افضلی

چکیده

کانون‌خانواده اصلی‌ترین نهادی‌ست‌که فرد در آن رشد و تکاپو می‌کند. ازین‌رو دین‌مقدس اسلام که برنامه‌ی سعادت، رفعت و تکامل نسل‌بشر است، توجه خاصی به سلامت، رشد و قابلیت‌پذیری این‌نهاد انسان‌ساز دارد. خانواده تنها نهاد فطری و طبیعی‌ست و شرط پویایی و استواری آن وجود روابط صحیح و مستحکم میان هم-سران است. زن در خانواده نقش برجسته‌ای دارد و در سلامت فرد و اجتماع نیز تأثیر گذار است. به‌دلیل جای‌گاه زن، خانواده نیز یکی از مهم‌ترین محیط‌های مؤثر بر سلامت جسمی و روانی افراد است. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش آرامش‌بخش زن در تحکیم‌خانواده است. برای تحقق این امر ضروری‌ست مؤلفه‌های خانواده از منظر دینی تبیین شود. هم‌چنین باید نقش‌های مادری، خواهری، دختری و همسری زن روشن شود. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی‌ست و با تتبع در منابع اسلامی صورت گرفته‌است. پس از انجام پژوهش حاضر مشخص شد که نقش زن در آرامش و تحکیم نهاد خانواده شامل تدین، انجام وظایف مادری، عشق‌ورزی به همسر، پاکیزگی و آراستگی، خانه‌داری، سازگاری و تفاهم است.

واژگان کلیدی: خانواده، زن، آرامش، تحکیم، نقش همسران، عاطفه‌ورزی.

۱. مقدمه

آرامش همسران در کنار یک‌دیگر یکی از اهداف مهم ازدواج است و همه دست‌آوردهای علمی و هنری.... بشریت در کانون خانواده‌ی سالم و ایمن به‌میان آمده‌ست. بدون خانواده آرام و مستحکم نه تنها هویت انسانی بشر محو می‌شود، بلکه

دست‌آوردهای فردی و اجتماعی نیز نافرجام خواهند ماند. خانواده نهادی‌ست که بر اصل ازدواج دو جنس مخالف پدید می‌آید و ازین‌رو اسلام به‌ویژه قرآن‌کریم که برنامه تکامل بشر است، برای تأسیس و تحکیم این کانون و پیش‌گیری از فروپاشی آن، رهنمود های بسیار ارزنده‌ای را پیش‌کش نموده است (محمد ری‌شهری۱۳۸۹). باتوجه به عواطف قوی‌تر در زنان نقش آن‌ها در تأمین بهداشت روانی خانواده برجسته‌تر است. زن می‌تواند روحیه خسته و ناامید همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و سنگ‌صبور ناراحتی‌های او باشد. زن مسلمان می‌تواند در خانواده در چهار موقعیت نقش داشته باشد و تأثیرگذار باشد؛ نقش‌های دختری، خواهری، همسری و مادری. بنابراین، ضروری‌ترین امر برای زنان و برای آرامش‌بخشی به اعضای خانواده آشنایی با اهمیت نقش و جای‌گاه خود در ساختن محیطی آرام و دل‌پذیر و از راه‌های رسیدن به این هدف توجه به وظایف زن به‌ویژه نقش آرامش‌دهی اوست(پاناپا سمانچوه، ۱۳۸۷). در میان همه‌ی جوامع و فرهنگ‌ها، مکتب حیات‌بخش اسلام اهمیت و ارزش فراوانی برای نهاد خانواده قائل است. اسلام خانواده را کانون اخلاقی جامعه می‌داند و معتقد است ارتباطات حاکم بر خانواده‌ها، به وجود آورنده‌ی تربیت و ارتباطات بین افراد جامعه است. در محیط خانواده‌ای‌که براساس معیارهای اسلامی تشکیل شده باشد، آرامش و آسایش جسم و جان انسان تأمین می‌گردد و در سایهٔ صفا و صمیمیت و هم‌فکری و هم‌دردی و هماهنگی آن، خستگی‌های عصبی و جسمی زدوده می‌شود، از نظر اسلام و قرآن‌کریم خانواده‌ها باید کانون عشق و مؤدت و یک‌رنگی باشند، زن و شوهر که هسته‌ی اصلی کانون خانواده می‌باشند، باید نسبت به هم عاشقان دل‌داده‌ای باشند که عشق تمام وجودشان را به هم‌دیگر پیوند داده و آن‌ها را در اعماق جان و دل، متحد ساخته باشد (رئیسی، دودمان و صیامی،۱۳۹٤).

۲. چرایی تشکیل خانواده و حکمت‌های آن

خانواده از نظر بیشتر مردم عبارت است از زن و فرزندان و خویشاوندان مرد و در اصطلاح شرعی خانواده گروه و جماعتی است که زیربنای جامعه را تشکیل می‌دهد. بنای آن بر روابط همسری میان زن و مرد استوار است و پیامد آن وجود فرزندانی‌ست‌که به صحنه زندگی گام می‌گذارند. مفهوم لغوی و شرعی خانواده شامل معنی حمایت، نصرت و وجود روابط تفاهم و هم‌کاری مبنی بر اساس نژاد، خون، نسبی، سبب و اوضاع می‌باشد. هنجارمندی خانواده برگرفته از احکام و قوانینی‌ست‌که در آغاز، اثناء و انتهای زندگی خانوادگی امور و شئون آن‌را سروسامان می‌بخشد)دکتر وهبة زُحیلی، ص۳۵، ۱۳۸۲).

اساس رابطه خانوادگی هم‌نشینی و مصاحبت است که بر دوستی، انس و الفت استوار می‌باشد. رابطه‌ای که ریشه‌های طولانی و استوار دارد و شبیه‌ترین چیز ممکن به رابطه انسان با خودش و همسر وی می‌باشد؛ خداوند این مفهوم را چنین بیان می‌فرماید: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ﴾. [البقرة: ۱۸۷]. زنان لباس شما هستند، و شما لباس آن‌ها.

علاوه بر این‌که خانواده و رابطه خانوادگی زمینه مناسبی برای تربیت فرزندان و ضامن پرورش یک سلاله است. در دیدگاه اسلامی، پرهیزکاران و دین‌داران از اهمیت خانواده و توصیه و تأکید اسلام

بر محافظت از آن آگاه هستند و در انجام وظایف دینی و اخلاقی خود در برابر همسر و فرزندان کوتاهی نمی‌کنند. پیامبر اکرمﷺ می‌فرمایند: «دراسلام، هیچ‌بنایی ساخته‌نشده‌که نزد خدای‌بزرگ، محبوب‌تر از ازدواج باشد» و هم‌چنین فرموده است: «عقد نکاح از سنت‌های من‌ست؛ کسی‌از سنت من پیروی نکند از من نیست»(البخاری، حدیث نمبر۵۰٦۳)

در آیه‌ی۳۲سوره نور آمده است: ترجمه؛ «زنان بی‌همسرخود و غلامان و کنیزان درست‌کارتان‌را همسر دهید. اگر تنگ‌دست اند، خداوند آنان‌را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد و خداوند، گشایش‌گرِ داناست». از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است؛ در آیه ۲۱ سوره روم آمده است: ترجمه؛ «از نشانه‌های او این‌ست‌که از خود شما جفت‌هایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه‌هایی است برای آنان‌که می‌اندیشند». از نگاه کسانی‌که برای خانواده قداست قائل نیستند، هدف اصلی از تشکیل خانواده، بهره‌گیری از تمتّعات جنسی است؛ بلکه در بسیاری از موارد، هدفی جز این وجود ندارد؛ اما از نگاه قرآن و احادیث، تشکیل خانواده، دارای حکمت‌ها و دلایل متنوع روانی، اخلاقی، اجتماعی و دینی است و این حکمت‌ها در واقع، اصول و پایه‌های تأکید اسلام بر تشکیل خانواده و ضرورت تقویت و تحکیم این‌نهاد، شمرده می‌شوند.

۳. تبیین موضوع

۳-۱ خانواده

خانواده در طول زمان تعاریف مختلفی داشته است. برخی خانواده را گروهی از افراد می‌دانند که از راه خون، زناشویی و یا فرزندپروری با یک‌دیگر ارتباط می‌یابند و طی یک‌دوره زمانی نامشخص باهم زندگی می‌کنند. (کوئن، ۱۳۷۸، ص۱۲۷). یا خانواده؛ گروهی از افراد اند که به‌صورت مستقیم با ارتباطات خویشاوندی پیوند یافته‌اند و اعضای بزرگ‌سال آن مسؤلیت مراقبت از کودکان را برعهده دارند. پیوندهای خویشاوندی ارتباطات میان افراد است‌که یا با ازدواج برقرار شده‌اند یا با تبار است‌که خویشاوندان خونی را با یک‌دیگر مرتبط می‌کند (گیدنز،۱۳۸۳، ص٤۲٤). ازنظر برخی انسان‌شناسان خانواده واحدی‌ست‌که افراد در آن باهم ارتباط عاطفی دارند، سرپناهی‌ست‌که نگه‌دار آدمی‌است و هنگامی‌که افراد پراکنده‌اند آن‌هارا زیر بال‌وپر شبکه هم‌بستگی و هم‌یاری خود می‌گیرد (مورن، ۱۳۸۲، ص۲۲۰). خانواده یکی از مهم‌ترین پایه‌های نظام اجتماعی اسلام‌است، نظامی که خود بر پایه‌های استواری مانند: سلامت، فضیلت، آداب‌ارزش‌مند، هماهنگی و سازگاری توان‌مندانه با جامعه برای جلوگیری از ذوب و ضایع گردیدن قرار گرفته‌است(زحیلی، ۱۸). رابطه بین زوجین، رابطه دنیایی مادی یا حیوانی و شهوانی نیست، بل‌که رابطه روحی ارزش‌مندی‌است چنان‌چه اگر رابطه درستی باشد بعد از فوت، به آن دنیا نیز سرایت پیدا می‌کند: ﴿جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ﴾. [الرعد: ۲۳]. ترجمه « (این عاقبت نیکو) باغ‌های جاویدان بهشت‌است‌که هم خودشان وارد آن می‌شوند و هم پدران و همسران و فرزندان صالح آن‌ها.» پس خانواده طبیعی‌ترین واحد تولیدمثل و فراگیرترین واحد اجتماعی‌ست‌که نیروی انسانی جامعه را فراهم می‌آورد.

٤. انواع خانواده

درین بخش تقسیمات نظام خانواده را از دیدگاه اسلام و جامعه‌شناسی کوتاه به بحث خواهیم گرفت، از نظر اسلام و جامعه‌شناسی، خانواده به عنوان یک‌واحد اجتماعی و مهم در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه شناخته می‌شود. اسلام نیز اهمیت بسیار زیادی به نقش و جایگاه خانواده در جامعه می‌دهد و از آن به عنوان ستون اصلی و پایه‌های اجتماع یاد می‌کند. به طور کلی، خانواده‌ها از دیدگاه اسلام و جامعه‌شناسی به چند دسته‌بندی اصلی تقسیم می‌شوند.

٤-١ انواع خانواده از نظر نظر فقه اسلامی

علماء و فقهای اسلام خانواده را به خانواده‌های کوچک (زن و شوهر و فرزندان)، متوسط (اقوام وخویشاوندان) و خانواده بزرگ (جامعه اسلامی) تقسیم نموده اند (دکتر وهبه زُحیلی، همان، ١٣٨٢).

٤-٢ انواع خانواده از نظر جامعه‌شناسی

خانواده با توجه به ابعاد گوناگون، اهمیت و شرایط آن، از دیدگاه‌های متفاوتی در جوامع مختلف تقسیم بندی شده‌است. به دلیل جلوگیری از پراکندگی بحث صرفا به نام‌گذاری‌ها بسنده می‌شود: (خانوادۀ زیستی؛ خانوادۀ مرکب؛ خانوادۀ زن و شوهری؛ خانوادۀ گسترده؛ خانوادۀ پیوسته؛ خانوادۀ مادر مرکز؛ خانوادۀ فرزند مرکز؛ خانوادۀ راه‌یابی/ خاست‌گاه؛ خانوادۀ فرزندزایی؛ خانوادۀ ناقص) (باقر ساروخانی، ١٣٨١).

در فقه‌اسلامی و جامعه‌شناسی، نقش زن به عنوان آرامش‌بخش و تحکیم‌کننده نظام‌خانواده بسیار اهم تبیین شده‌است. از دیدگاه اسلام، زن به عنوان مادر و همسر، مسؤلیت‌های بسیار مهمی را بر عهده دارد. زن باید با صداقت، اخلاق، صبر و محبت به همسر و فرزندان خود رفتار کند تا آرامش و هماهنگی و در خانواده حفظ شود. از منظر جامعه‌شناسی نیز، نقش زن در تحکیم نهاد خانواده با خط درشت و توضیح مفصل تبیین یافته است. زن به عنوان پایه و اساس خانواده، با ایجاد ارتباطات مثبت و پای‌دار با اعضای خانواده، می‌تواند به تقویت و تحکیم این نظام کمک کند. زن با عنایت به شخصیت و نقش خود، می‌تواند برای حفظ انسجام و وحدت خانواده، بهبود روابط داخلی و حل مسائل روزمره خانواده، کمک بسزایی کند.

٥. خانواده موفق در آموزه‌های دینی

مسایل فراوانی وجود دارد که نظام خانواده بر آن استوار بوده و رابطه خانوادگی از آن استحکام می‌گیرد و به وسیله آن از باد جدایی و طوفان ویران‌گرِ از هم دور شدن و از هم بریدن مصون می‌ماند. خانواده اساس اجتماع‌ست و در فرهنگ اسلامی قداست و منزلت بسیاری دارد. این واحد حاصل پیوند طبیعی ازدواج میان دو ناهم‌جنس است. در اسلام ازدواج پیوندی الهی و به‌ترین نهاد سازنده اجتماع است. قرآن‌کریم زن و مرد را از نظر هویت انسانی برابر می‌داند و آن‌ها را دو قطب مکمل یک‌دیگر معرفی می‌کند. در نگاه قرآن جنس درجه اول و جنس طفیلی وجود ندارد. وقتی قرآن از مقام انسان و حقیقت او سخن می‌گوید او را صاحب کرامت معرفی می‌کند. در نگاه قرآن و فرهنگ اسلام خانواده نه تنها محل تولد نسل است بلکه جای‌گاه رشد و پرورش شخصیت سالم انسان‌هاست.

ادامه دارد...



د اسلامي نظام تندې اخيستې ننني نړۍ

حنون حازم

موضوع مې په ګران هېواد کې د نېکمرغه لوی اختر له خوشاله، سوکاله او هوسا ورځو او فضاء څخه اخيستې. د اسلام سپېڅلی دين د هغه د رسونې- رسېدنې او نبوت د سپېڅلې دندې په څېر له آدم عليه السلام څخه تر نبی عليه السلام پورې او بيا د آخرت تر ورځې همدا يو اسلام دی، د نبوت لړۍ هر قوم ته بېلابېل نبيان او پيغمبران عليهم السلام لرل، نو که څه هم د هر نبی او پيغمبر جلا شريعت و، خو دين يې همدا يو(سپېڅلی اسلام)و، هم دی او هم به تر آخرته وی. يهوديت او نصرانيت هم پر خپل وخت موسی عليه السلام او عيسی عليه السلام ته ور کړل شوی د اسلام دين شريعتونه و چې د رسول الله مبارك صلی الله عليه وسلم(محمدی) وروستي او تلپاتې شريعت په راتلو سره له منځه تللی او پرې عمل کول نه شته، بلکې له منځه تللو وروسته بيا هم پرې عمل کول کفر دی او دا اوسنی يهوديت او نصرانيت خو بېخی هغه دی نه چې پر خپل وخت د اسلام دين د شريعتونو په ډول پېژندل کېدل، بلکې د اوسنی يهوديت او نصرانيت يوازې نوم همغه دی، نور د وضعی قوانينو، فکری ليدلوريو او د مادی شخصی او سياسی ګټو لپاره را منځته شوې يوه مصنوعی تګلاره ده چې پکې د يهوديت او نصرانيت له نوم او د اړتيا پر وخت يې له ځينې لاربښوونو ابزاری استفاده کېږی، کټ مټ لکه سېکولری، ديموکراسی او امريکايی منځلاری اسلام چې د بشريت له شعار، د سپېڅلی اسلام له لاربښوونو او د اسلامی کلتور له ځانګړنو څخه پکې استفاده کېږی.

نو دا چې پخوانی يهوديت او نصرانيت پر محمدی شريعت له منځه تللی او اوسنی يهوديت او نصرانيت بيا پر پخوانی نوم يوه مصنوعی تګلاره ده؛ ننني نړۍ د ژوند فطری او تر ټولو هراړخيزه او په هرڅه پوره د اسلام تګلاره غلطه کړې ده او پر ځای يې د مصنوعی تګلارو په را منځته کېدو له هغو کړاوونو سره مخ او پکې نښتې ده چې د ژوند دغې يوازېنی تګلارې بېخی نه و پېژندلی او تجربه کړی، په ځان کې لرل خو يې لرې خبره ده. دغو کړاوونو پر نړۍ ګنې، بې شمېره او د انسانی ژوند پر هر ګام غوغاوې او شور-ځوږ را منځته کړی چې اوس ټول ملتونه له جګړو او نا امنيو سر ټکوی، له مرګونو او

ویرونو خاورې بادوی، په اوج کې سیاسی، فرهنګی او اقتصادی ستونزې ورپېښې دی، وګړیز او ټولنیز ژوند یې تریخ دی او له هغه ژونده بېخی بېزاره دی چې له خپلې فطری تګلارې سره سم پر مخ ورلو کې ډېر ښکلی، زړه وړونکی او له نېکمرغیو ډک دی. د نړۍ اوسنۍ صحنه، د شپو-ورځو جریانونه او پرې یو تر بلې بدتره شپبو راتلو او تېرېدو څخه په ډاګه جوتېږي چې الله تعالی له انسانی ژوند سره د هغه یوه تګلاره هم پیدا کړې او د انسان په فطرت کې یې اغښلې ده، خو اوس د نورو تګلارو په را منځته کېدو سره موږ هغه خطا کړې او له أمله یې له خپل فطرت سره پر جګړه کېوتی یو چې یادې ټولې ناخوالې یې را جلب کړې او له ځان سره یې لری.

اوس چې په نړۍ د سالم فطرت څښتن کوم وګړی، ټولنې او ملتونه څه غواړي، څه نه غواړي او له څه کرېږي؛ د اړوندو ټولو او هر ډول تعبیرونو غورچاڼ او لنډیز یې دا دی چې له خپل فطرت سره سم ژوند غواړي، خو دا چې د هغه تګلاره ترې ورکه ده، نه یې پېژني او نه پوهېږي چې د سپېڅلی اسلام په څېر د ژوند یوه تر ټولو غوره، هراړخیزه او پر هرڅه پوره تګلاره شته او اسلامی نظام یې چاره او چاپېریال را منځته کوي؛ نو خپل ډول-ډول تعبیرونه او سرلیکونه ورته کاروي چې داسې دې وشي او هغسې دې نه کېږي او معنا دا چې ژوند دې له خپلې فطری تګلارې(اسلام)سره سم پر مخ یوسی. په دې ډول شعوری او پر لاشعوری ټوله نړۍ د اسلام سپېڅلی دین غوښتنه لري، خو تعبیرونه او سرلیکونه نور دی. دا چې دغه غوښتنه بیا د پوره کېدنې لپاره په ضمن او خپل ځان کې د سالم او وړ چاپېریال غوښتنه هم را نغاړي چې د رامنځته کولو لاره یې رښتونی اسلامی نظام دی؛ نړۍ له تعبیرونو او سرلیکونو ورهاخوا یو ګام نوره هم د ژوند له فطری تګلارې(اسلام)څخه لرې برېښی، بلکې لا د ژوند د مصنوعی تګلارو په پلی کولو کې چې له دغې فطری تګلارې سره نړۍ په جګړه ده؛ په لا شعوری یې له خپلو تعبیرونو، سرلیکونو او ترې لاندې هیلو او ارمانونو سره را اخیستې ده.

موږ افغانانو چې په تېر څلورنیمی لسیزې جګړه ییز پیر کې د نورې نړۍ په څېر کوم څه غوښتل او له کوم څه مو خاورې بادولې؛ که څه هم د مسلمانانو په توګه مو د ژوند لرغونې تګلاره همدا فطری تګلاره وه او پر بشپړ باور مو په کې خپل دغه ارمانونه او هیلې لیدلې وې او لیدلې مو، خو که میلیونونه د سر قربانۍ مو ورکړې، سګونه زره ملیارد افغانۍ تاوانونه مو ولیدل او غولونکې ګرده نړۍ مو هم تر ځنګ ولاړه وه، هیڅ مو نه ترلاسه کولی شو او نه مو تر لاسه کړل چې چاپېریال برابر نه و او اسلامی نظام مو نه درلود. نو ایله اوس مو د اسلامی نظام پر لرلو په وړیا ډول او د عادی او عام امنیت په ټینګښت سره هغه ډېر څه ترلاسه کړل او لا ورته په تمه یو. پر ناخوالو او کړاوونو د مخ پوښلې نړۍ او د حال له تعبیرونو او سرلیکونو سره یې زموږ د اوسنۍ خوشالۍ، سوکالۍ او هوساینې له پرتلې پر اسانۍ دې پایلې ته رسېږو چې ننۍ نړۍ د اسلامی نظام تندې اخیستې ده، خو لکه چې ومو ویل: نه پوهېږي چې د سپېڅلی اسلام په څېر د ژوند یوه تر ټولو غوره، هراړخیزه او پر هرڅه پوره تګلاره شته او اسلامی نظام یې چاره او چاپېریال را منځته کوي، بس خپلو غوښتنو او ناخوالو ته ډول-ډول تعبیرونه او سرلیکونه کاروي او په دې ډول شعوری او پر لاشعوری ټوله نړۍ د اسلام سپېڅلی دین غوښتنه لري، خو تعبیرونه او سرلیکونه نور دی او د ټولو معنا او غوښتنه دا ده چې ژوند دې له خپلې فطری تګلارې(اسلام)سره سم پر مخ یوسی.



قسم ناحق در اسلام

عبدالاله کامیار احراری

قسم ناحق، از جمله کارهایی است که باعث بی‌حرمتی به خداوند متعال گردیده، در دین مبین اسلام جایز نمی‌باشد.

مواردی که باعث بیحرمتی به خداوند میشود:

۱ قسم خوردن به نام خدا برای کسب درآمد و منفعت و پیش بردن کارها؛

۲ دشنام دادن به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند (کفار) که باعث می‌شود آنان به مقدسات الهی و دینی توهین کنند.

خداوند بارها و بارها در قرآن کریم از بنده‌های خود می‌خواهد که احترامش را روی زمین حفظ کنند و از کارهایی که باعث بی‌حرمتی به خداوند می‌شود دوری کنند. لذا در ادامه به آیاتی که با این موضوع در ارتباطند خواهیم پرداخت.

در سوره البقره آیه ۲۲٤ آمده است: «و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار مدهید تا بدین بهانه از نیکوکاری و پرهیزگاری و سازش دادن میان مردم باز ایستید و خدا شنوای داناست» (سوره مبارکه البقره/ آیه ۲۲۴)

از این آیه می‌توان دریافت که خداوند به روشنی از انسان می‌خواهد که بیهوده و به عادت به منظور پیش‌برد کارها نام خدا را قسم نخورد زیرا این امر باعث بی‌حرمتی و پایین آوردن ارزش خداوند خواهد شد. اما خداوند قسم خوردن را در مواردی مجاز می‌خواند که در این باره نیز توضیح می‌دهیم.

در سوره مبارکه نور آیه ٦ آمده است: «و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند و جز خودشان گواهانی دیگر ندارند هر یک از آنان [باید] چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعا از راستگویان است.»

همچنان در سوره نور آیه ۷ آمده است: «گواهی در دفعه پنجم این است که شوهر [بگوید] لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد.»

در قرآن کریم می‌خوانیم: «و از کسی که بسیار سوگند یاد می‌کند و پست است اطاعت مکن.» (سوره قلم آیه ۱۰).
از این آیه این نکته برداشت می‌شود که قسم خوردن به نام خدا امری بسیار خطیر است و تنها در اموری که بسیار با اهمیت است، مثل این مساله که یک مساله ناموسی تلقی می‌شود، جایز است و آن هم شرایط و ضوابط خود را داراست.
یعنی ما هیچ وقت نباید به خاطر مسائل پیش پا افتاده نام خدا را قسم بخوریم، اما متاسفانه امروزه و بخصوص در جامعه ما این امر به وفور مشاهده می‌شود که مردم برای پیش بردن کارها و کسب درآمد و منفعت نام خدا را به راحتی قسم می‌خورند و از آن به عنوان وسیله‌ای برای پیش‌برد کارها استفاده می‌کنند که این کار از منظر قرآن کریم گناه و باعث نارضایتی خداوند می‌شود.
اما خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «اگر به اشتباه و از روی نادانی این عمل را انجام دادید، شما را مواخذه نمی‌کنم ولی اگر با وجود این که می‌دانید باز این عمل را انجام دهید باید کفاره بپردازید.» در ادامه به آیات مربوطه می‌پردازیم.
خدا شما را به سوگندهای بیهوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند ولی به سوگندهایی که از روی اراده می‌خورید و می‌شکنید، شما را مؤاخذه می‌کند و کفاره‌اش خوراک دادن به ده بینواست از غذاهای متوسطی که به کسان خود می‌خورانید یا پوشانیدن آنان یا آزاد کردن بنده‌ای و کسی که هیچ یک از اینها را نیابد باید سه روز روزه بدارد این است کفاره سوگندهای شما وقتی که سوگند خوردید و سوگندهای خود را پاس دارید این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان کند باشد که سپاسگزاری کنید (سوره مائده آیه ۸۹).
اما مساله دیگر که باعث بی‌حرمتی به خداوند می‌شود، دشنام دادن به کسانی که غیر خدا را می‌پرستند، است زیرا که باعث می‌شود آنها نیز مقابله به مثل کنند و مقدسات ما را دشنام دهند که باعث خشم پروردگار است لذا برای درک بیشتر این مساله به آیاتی که این موضوع را گوشزد می‌کند می‌پردازیم. و آنهایی را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی خدا را دشنام خواهند داد این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم آنگاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت (سوره انعام آیه ۱۰۸).
در این رابطه خداوند به ما حضرت ابراهیم را به عنوان الگو معرفی می‌کند و از ما می‌خواهد همان‌گونه که ابراهیم یکه و تنها در برابر قومش که بتها را به خدایی می‌پرستیدند، ایستاد و اجازه بی‌حرمتی به خداوند را به آنها نداد و با وجود تمام آزارها و اذیت‌ها، ایستادگی کرد و با این کار نشان داد که خداوند نزد او از چه ارزش و جایگاهی برخوردار است، باشیم و هرگز با اعمالمان زمینه بی‌حرمتی به خداند را فراهم نکنیم در زیر به آیاتی که به این مساله اشاره دارد خواهیم پرداخت.
«بی‌گمان در ایشان (یعنی در روش ابراهیم و همراهان او)، برای کسانی از شما که به خداوند و روز آخرت امیدوارند، پیروی نیکویی است، و هرکه روی برتابد، حقا که خداوند هم او است بی‌نیاز و ستوده.» (سوره ممتحنه آیه ٦)
«و بر آنان گزارش ابراهیم را بخوان» (٦٩) «آنگاه

که به پدر خود و قومش گفت: چه می‌پرستید» (۷۰) «گفتند: بتانی را می‌پرستیم و همواره ملازم آنهاییم» (۷۱) «گفت آیا وقتی دعا می‌کنید از شما می‌شنوند» (۷۲) «یا به شما سود یا زیان می‌رسانند» (۷۳) «گفتند نه بلکه پدران خود را یافتیم که چنین می‌کردند» (۷۴) «گفت آیا در آنچه می‌پرستیده‌اید، تامل کرده‌اید» (۷۵).

در این رابطه خداوند در قرآن دو منطق غلط را به شدت رد می‌کند.

۱ قدمت یعنی این که قدیمی بودن چیزی دال بر درست بودن آن نیست.

۲ کثرت به این معنی که زیاد بودن کاری که اکثریت انجام دهند، دال بر درست بودن آن نیست، خداوند در این رابطه از انسان می‌خواهد که از عقل خود کمک بگیرید و نگاه به قدمت و کثرت آن نکند، کمی تامل کند که آیا این کار درست است یا خیر و هیچ‌گاه کورکورانه و به عادت از گذشتگان پیروی نکند.

آیات و روایات

الله متعال در حدیث قدسی می‌فرمایند :

همانا نماز آن کسی را قبول می‌کنم که برای عظمت من فروتنی کند به یاد من روز خود را شب کند. دلش آکنده از ترس من باشد. به خاطر من خود را از خواهش‌ها و تمایلات نفس بازدارد. به جهت من سیر کند گرسنه را بپوشاند برهنه را، رحم کند شخص بلادیده را و غریب را جای دهد. نور چنین شخصی مانند خورشید تابان در آسمان می‌درخشد در تاریکی‌ها روشنایی به او می‌دهد. و در نادانی ها شناخت می‌دهد. علمی برایش قرار می‌دهد که هیچ وقت درمانده نمی‌شود .

در چند حدیث شریف، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم در مورد قسم خوردن و احکام آن می‌فرمایند:

حدیث ۱ ای مسلمانان! خداوند شما را از قسم خوردن به ناحق و دروغ منع کرده است زیرا که قسم خوردن به دروغ برکت عمر را بر می‌دارد. روزی شخص را کم می‌کند و آبروی مسلمان را از بین می‌برد، پس مسلمان باید از خوردن قسم بناحق اجتناب و دوری کند.

حدیث ۲) سوگند خوردن سبب ترویج کالا و فروش آن به دروغ می‌شود اما این قسم از بین برنده برکت در آن معامله می‌شود.

حدیث ۳ هر کس به غیر نام الله قسم یاد کند، به تحقیق که شرک به الله آورده است و این شرک در صورتی است که اعتقاد قسم به غیر الله داشته باشد.

حدیث - ۴ هر کس به چیزی سوگند خورد اما بعداً انجام دادن آن را بهتر دید، پس سوگندش را بشکند و کفاره آنرا بدهد و آنچه خیر است انجام دهد.

حدیث - ۵ هر کس با قسم دروغ قسمتی از مال فرد مسلمانی را در معاملات بگیرد آن‌کس در روز حشر در حالی الله را ملاقات می‌کند که الله از او خشمگین و ناراضی است.

حدیث ٦ آگاه باشید که الله شما را نهی کرده است از این که به پدرانتان سوگند بخورید و هر کس سوگند می‌خورد، پس باید به خدا سوگند بخورد و یا سکوت کند.

حدیث ۷ کسی که به قسم خوردن مال مسلمان را بگیرد، الله آتش دوزخ را بر او واجب گردانیده و جنت را برایش حرام می‌نماید .

حکم قسم دروغ را می‌دانید؟

قسم دو نوع است:
الف: قسم برای انجام یا ترک کاری در آینده؛
ب: قسم برای اثبات یا نفی چیزی.
نوع اول اگر قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا ترک کند؛ مثلا قسم بخورد که روزه بگیرد، چنان چه عمداً مخالفت کند، باید کفاره بدهد؛ یعنی یک بنده آزاد کند یا ده فقیر را سیر کند یا آنان را بپوشاند و اگر این‌ها را نتواند باید سه روز پی‌درپی روزه بگیرد.
نوع دوم کسی که برای اثبات یا نفی چیزی قسم می‌خورد، اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است ولی کفاره قسم را ندارد ولی اگر برای این که خودش یا مسلمان دیگری را از شر ظالمی نجات دهد، قسم دروغ بخورد اشکال ندارد بلکه گاهی واجب می‌شود.
اما اگر بتواند توریه کند؛ یعنی موقع قسم خوردن طوری نیت کند که دروغ نشود بنا بر احتیاط واجب باید توریه نماید؛ مثلا اگر ظالمی بخواهد کسی را اذیت کند و از انسان بپرسد که او را ندیده‌ای؟ و انسان یک ساعت قبل او را دیده باشد، می‌تواند بگوید او را ندیده‌ام به این قصد که از پنج دقیقه پیش ندیده‌ام.
آثار و عواقب قسم دروغ در نکوهش قسم ناحق و دروغ و آثار و پیامدهای آن احادیث فراوانی داریم که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:
در حدیثی قدسی نیز از قول خداوند متعال چنین نقل شده است کسی که مرا در معرض سوگندهای دروغ قرار می دهد به رحمت من نمی رسد.
سوال: کسی که مجبور شد دست روی قرآن بگذارد و قسم دروغ بخورد، حکمش چیست؟ و چگونه باید جبران کند؟
همانطور که در پاسخ سوال قبل توضیح دادیم قسم خوردن دو نوع است و قسم دروغ خوردن در صورت دوم که در پاسخ سوال قبل ذکر کردیم گاهی در محکمه نزد حاکم است، گاهی در خارج از محکمه در مکالمات و تعاملات روزمره خود با دیگران است. اگر کسی در تعاملات روزمره خود با دیگران قسم دروغ بخورد فقط مرتکب حرام شده و گنهکار می‌باشد حکم و عذابش بیان شده است. اما اگر بر فرض در محکمه نزد حاکم قسم دروغ بخورد علاوه بر حرمت و عذاب اخروی که بیان شده، دارای اثرات و تبعات حقوقی و قانونی خاص می‌باشد.
گفتنی است؛ سوگندی اعتبار دارد که یکی از اسمای خداوند متعال باشد؛ مثل خدا یا الله، همچنین اگر به برخی از اوصاف خدای سبحان قسم بخورد که معمولاً از آن صفت خدای سبحان اراده می‌شود یا قرینه‌ای به کار ببرد که مراد او را بفهماند، قسم صحیح است.
بنابراین قسم به مقدسات دیگر مثل قرآن و پیامبر احکام قسم را ندارد؛ یعنی اگر با این اسم‌ها قسم بخورد چیزی بر عهده او نمی‌افتد و واجب نیست به قسمش وفا کند.





قرآن را نخوانده؛

اسلام را نقد می‌کند!

د. فقیهی هروی

این مطلب را بدین مناسبت، نشر می‌کنم که یکی از معاندان اندیشه دینی، قصه یک پسر نادان را بدون مطالعه قرآن کریم، داستان قرآنی قلم‌داد کرده و خواسته اندیشه اسلامی را به تمسخر بگیرد.

متن اصل نوشته‌ام

یک روز کسی برایم ابراز نظر کرد و گفت: اسلام، در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مدنی، برنامه‌یی برای زندگی بشر ندارد؛

گفتم: شما بدون تخصُّص و دانش کافی در بارۀ شناخت اسلام، چه گونه به خود حق می‌دهید، چنین نقد و سخنی را وارد کنید؟

گفت: شما تیکه‌داران دین، شریعت را مال شخصی تان قرار دادید و حق ابراز نظر از دیگران را می گیرید و چنین حقی را ندارید. من حق دارم نقد کنم.

گفتم: بسیار خوب، جناب شما چند بار قرآن کریم را کامل با کدام تفسیر خواندید؟

گفت: کامل یک بار هم نخواندم. مگر می‌شود همه قرآن را با تفسیر خواند؟ چه کسی این قدر وقت دارد!

گفتم: از احادیث نبوی، کدام کتاب حدیث معتبر و کدام شرح آن را تا حال خواندید؟

گفت: عجب، جالب گپ‌ها می‌زنی؛ من که آخوند نیستم که کتاب‌های حدیث و شروحش را می‌خواندم؛ او کتاب‌ها کلان را کِی می‌تواند سر تا پا بخواند؟!

گفتم: از کتب فقه اسلامی، کدام کتاب را سر تا پا خواندی و مطالعه داری؟
گفت: عجب چیزها می‌پرسی؛ مگر من مدرسه رفتم که آن کتاب‌های کلان را بخوانم؟ کی این قدر وقت دارد و می‌تواند این کتاب‌ها را با آن بزرگی و خط‌های ریزه، باز به زبان عربی بخواند!

گفتم: آیا زبان قرآن کریم و زبان احادیث نبوی (زبان عربی) را به گونۀ علمی می‌دانی و از آیات قرآنی و احادیث نبوی و کتاب‌های فقه اسلامی، اگر بخوانی، چیزی برداشت کرده می‌توانی ؟
گفت: نه خیر، من که مدرسه نخواندم و زبان عربی و صرف و نحو عربی را نیاموختم که زبان عربی بدانم و باز از کتاب‌های عربی بتوانم استفاده و برداشت کنم! من بدون این گپ‌ها نقد می‌کنم و حق دارم که نقد کنم!

گفتم: آیا یک انجینیر برق، حق دارد به یک شفاخانه در تداوی مریضان کار کند و در بارۀ طبابت و تداوی مردم نظر بدهد، و برای بیماران نسخه تجویز کند و دوا بدهد؟
گفت: تو همین را نمی‌دانی؟ اصلا و ابدًا؛ یک انجینیر نه می‌تواند در بارۀ مسائل طبی نظر بدهد و نه هم حق دارد به تداوی بیماران بپردازد. مگر حق دارد مردم را بدون تخصُّص تداوی کند و بکشد ؟

گفتم: خوب! آیا یک رانندۀ موتر، می‌تواند و حق دارد که یک هواپیما پر از مسافر را خلبانی کند و به پرواز درآورد و به مقصد برساند؟
گفت: چنین کاری را نه می‌تواند و نه حق دارد انجام دهد؛ و هرگز نباید برای او اجازه داده شود! چون جان مردم در خطر است و او اصلا نمی‌تواند طیّاره را به مقصد برساند و از نزدش سقوط می‌کند.

گفتم: وقتی انجنیر برق، حق ابراز نظر در بارۀ طبابت ندارد و نباید به تداوی یک مریض بپرداز؛ همچنان وقتی یک رانندۀ موتر حق ندارد هواپیمای همراه مسافرانش را پرواز دهد و به مقصد برساند، چه گونه کسی، بدون این که حتی معنای تحت اللفظی قرآن کریم و احادیث نبوی را بداند، و بدون این که از فقه اسلامی چیزی بداند، حق دارد در بارۀ اسلام، که شریعت آسمانی و الهی است نظر بدهد و به نقد آن بپردازد؟
آیا این انصاف است که بگوییم، ابراز نظر در بارۀ هر علم و پیشه و فنّی، نیازمند تخصُّص و فهم ویژه است؛ اما در بارۀ قرآن کریم و شریعت اسلام که تخصُّص در آن نیازمند سال‌ها زحمت و تلاش است، هرکس بدون علم و تخصُّص، حق داشته باشد به نقد آن بپردازد؟؟!
آیا این انصاف است که کسی، بدون تخصُّص طب، حق نداشته باشد به تداوی یک بیمار بپردازد، اما کسی حق داشته باشد، در بارۀ دین و عقیده و نظام زندگی یک میلیارد انسان مسلمان، بدون علم و تخصُّص ابراز نظر کند و به نقد آن بپردازد؟؟!
فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ!!



غم مخور و منتظر بر طرف شدن رنج و اندوه باش!

سیدصادق گیلانی

غم مخور؛ چرا که خداوند، زمین و آنچه را که در آنست، برای تو آفریده است. غم مخور؛ تو آب گوارا و زلال می‌نوشی، هوای آزاد استنشاق می‌نمایی، با تندرستی روی پاهایت راه می‌روی و ...

غم مخور؛ همواره خدا را یاد کن و به مصداق کلام سبحان: با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرند . غم مخور؛ تمام غم‌ها، کمتر و فروتر از آن هستند که ارزش غمخوارگی داشته باشند؛

بیایید اندوه را مچاله کنیم، فرصت را به شادی دهیم که عمر با شتاب می‌گذرد؛ به انتظار چه باید بود. همین لحظه را دریابیم که زندگی اکنون است و فردا خواهد آمد و فردا را کسی بهتر خواهد دید که امروز را به شادی و امید و با توکل به الله سپری نماید.

از سختی‌ها اندوهگین مباش سختی‌ها و رنج‌ها، دل را قوی می‌گرداند، گناهان را پاک می‌نماید، کمر خودپسندی را می‌شکند و تکبر را نابود می‌کند؛ در میان سختی‌ها و رنج‌ها، غفلت، ذوب می‌شود، چراغ آگاهی، برافروخته می‌گردد، مهر و عاطفه مردم به سوی تو جلب می‌شود و صالحان، برایت دعا می‌کنند؛ انسان در سختی‌ها در برابر خداوند، فروتنی و کرنش می‌نماید و تسلیم خداوند یگانه قهار می‌گردد؛ سختی‌ها، باز دارنده و هشدار دهنده هستند.

انسان در سختی‌ها به یاد خدا می‌افتد و با پیشه کردن

صبر و شکیبایی، فروتنی می‌نماید و از رنج‌هایی که می‌برد، به پاداش الهی امیدوار می‌شود و برای حاضر شدن در درگاه خداوند آماده می گردد.

ان شاءالله سختی‌ها بر طرف می‌شوند و می‌روند و این سخن الله مهربان و جاویدان است که می‌فرماید: همانا (به همراه سختی آسانی است). [الشرح: ٦].

سرمشق هایی از امید در زندگی پیامبر

زندگی پیامبر گرامی اسلامﷺ نیز سرشار از امید است. و همین امید و دلبستگی بود که او را بر آن داشت تا با قبول آزار و شکنجه، سختی‌های این مسیر را با جان پذیرفته، دست از دعوت برندارد و تمام نیرو و توان خویش را در این راه بذل نماید.

نکته‌ای که می‌بایست بدان اشاره کنیم، پاره‌ای از نمونه‌های امید در سخت‌ترین لحظه‌های زندگی گهربارشان است که کمتر انسانی می‌تواند در آن لحظه‌های بحرانی، زیر چتر امید قرار گیرد.

نگرش ژرف اندیشانه در حادثه‌ی هجرت، امیدهای بزرگی به نصرت و یاری خداوند متعال در سرزمین باورهایمان، می کارد؛ زیرا خداوند متعال در پیامدِ این سفرِ خطیر، مردم را از تاریکی‌های کفر به سوی روشنی ایمان گسیل داشت. مسلمانان را از مکه جایی که توانایی ادای نماز در مسجد الحرام و قدرت اعلان موقف و بلند نمودن شعایر دینی، برای هیچ کسی مقدور نبود بیرون نموده و در مدینه سرزمینی که بتوانند حکومتی مقتدر را پایه‌گزاری نمایند قرارشان داد.

در غار ثور، آنگاه که فاصله‌ی مرگ و زندگی به تار عنکبوتی بسته بود و رفیقش با اضطراب، نگران گرفتاری در دام دشمن بود، با کمال خونسردی و ثبات، فرمود: (درباره‌ی دو نفری که الله سوم آن‌ها باشد، چه گمان برده‌ای؟!) [بخاری]

آیا صبح نزدیک نیست؟

بلی! طلوع سپیده دم برای رنجدیدگان آشکار می‌شود و صبح امید و فرج از راه می‌رسد و تاریکی غم و اندوه را بر طرف می‌سازد؛ به صبح و سپیده دم بنگر و منتظر باش تا الله مشکل گشا، گره از مشکلت را بگشاید و بی‌گمان پروردگاری که تو را در برابر مشکلات دیروز حفاظت کرد، در برابرِ اتفاقات امروز و فردا، نیز تو را حفاظت می کند.



به قول مولانا:

سوی نومیدی مرو امیدهاست
سوی تاریکی مرو خورشیدهاست

مثنوی معنوی (دفتر اول) بخش _۳۴ بیت ۷۲۴

امید، عامل برانگیزنده‌ی تپش و تلاش برای پویایی است و پیوسته انسان را به سوی کار و تلاش سوق می‌دهد. هرگاه این انگیزه از او دور شد، دیگر از ادامه‌ی زندگی و تلاش و تکاپو دست کشیده و از رویارویی با مشکلات و دشواری‌های آن، شانه خالی می‌کند و درین حال است که یأس و نا امیدی قلبش را در چنگال خود می‌گیرد و به سوی نابودی‌اش می‌کشاند؛ طوری که حیات را بدرود گفته و در دامان مرگ سقوط می‌نماید.

آری تا انسان انسان است و در کوچه‌ی زندگی روان امید با او همنوا است.

منابع:
قرآن کریم
حدیث
مثنوی معنوی



گردآورنده: عبدالله هروی

تاثیر تغییرات اقلیمی بر وضعیت چشم‌ها در فصل تابستان

همزمان با وارد شدن فصل تابستان، گرمی هوا بیشتر شده، نور آفتاب برعلاوه مزایای که در محیط ماحول انسان‌ها و برای افراد دارد، ضررهای نیز دارد که یکی از این ضررها، متوجه چشم می‌شود.

گرمای تابستان و اشعه ماوراء بنفش آفتاب می‌تواند به چشمان فرد آسیب بزند؛ اما می‌توان با چند راه‌کار از آسیب به چشم در فصل تابستان و در معرض نور آفتاب محافظت کرد.

بر اساس گزارش سازمان جهانی صحت، ۱۵ میلیون نفر در جهان به دلیل آب مروارید نابینا هستند و تا ۱۰ درصد از این افراد ممکن است علت بیماری آن‌ها قرار گرفتن در معرض اشعه ماوراء بنفش باشد.

به این دلیل، مهم است که از چشم‌ها در برابر نور آفتاب، محافظت بیشتر صورت گیرد، مخصوصا کسانی که محیط زندگی و کار شان بیشتر در فضای باز و یا در مقابل نور آفتاب واقع شده است.

جهت حفاظت از چشم‌ها در برابر نور آفتاب و شعاعای مضر، نیاز است که به دنبال راه کارها و راه حل ها بگردیم که خوشبختانه راه‌های ساده‌ای برای جلوگیری از آسیب دیدن چشم‌ها توسط آفتاب وجود دارد.

از استفاده عینک آفتابی گرفته تا پیروی از یک رژیم غذایی متعادل، راه‌های زیادی برای محافظت از چشمان در گرما وجود دارند.

یکی از ساده‌ترین راه‌ها برای مراقبت از چشم‌ها در برابر شعاع‌های منفی نور آفتاب، استفاده از عینک آفتابی در طول روز است. هنگامی که چشمان در برابر نور آفتاب محافظت نمی‌شوند، در معرض انواع مختلفی از اشعه ماوراء بنفش قرار می گیرند که می‌تواند خطر ابتلا به برخی بیماری‌ها از جمله فوتوکراتیت و آب مروارید را افزایش دهد.

در طول تابستان، چشمان می‌تواند به سرعت خشک شود، به خصوص اگر در آب و هوای خشک زندگی می‌کنید، کم آبی چشم‌ها می‌تواند عواقب ناخوشایندی داشته باشد و باعث سوزش، تحریک و حساسیت به نور شود.

اگر چشمان شما خشک است از قطره چشمی استفاده کنید. اگر یک مورد متوسط خشکی چشم دارید، ممکن است قطره‌های چشمی بدون نسخه را استفاده کنید، اما اگر سوزش ادامه داشت، به داکتر در مورد مصرف قطره‌های با نسخه مشورت کنید.

پیروی از یک رژیم غذایی مغذی می‌تواند برای سلامت چشم نیز مفید باشد. به طور خاص شما می‌خواهید یک برنامه غذایی متعادل را هدف قرار

دهید که شامل انواع غذاهای غنی از آنتی اکسیدان است که از سلامت چشم حمایت می‌کند.
به عنوان مثال ویتامین C ممکن است به کاهش خطر ابتلا به آب مروارید کمک کند. منابع خوب این ویتامین عبارتند از فلفل دلمه‌ای خام، مالته و زردک.
به طور مشابه، ویتامین E از چشمان شما در برابر رادیکال‌های آزاد محافظت می‌کند که می‌تواند به بافت چشم شما آسیب برساند و آن را تجزیه کند.
در نهایت ویتامین A نیز از عملکرد مناسب چشم پشتیبانی می‌کند و در غذاهایی مانند سبزیجات برگ‌دار و سبزیجات نارنجی یافت می‌شود.
در مقابل، غذاهایی نیز وجود دارند که برای سلامت چشم عالی نیستند. به عنوان مثال نوشیدنی‌های شیرین و غذاهای سرخ شده می‌توانند خطر ابتلا به دیابت و بعدا رتینوپاتی دیابتی را افزایش دهند.
زمان خیره شدن به صفحه نمایش را محدود کنید.
خیره شدن طولانی مدت به صفحه نمایش لپتاپ یا گوشی می‌تواند چشمان شما را تحریک کرده و منجر به وضعیتی به نام خستگی چشم شود. علائم رایج خستگی چشم شامل سردرد، حساسیت به نور، خارش چشم و تاری دید است.
متأسفانه، برای برخی از افراد، بسته به شغل شان، اجتناب از تماشای صفحه نمایش ممکن نیست، با این حال برخی از تاکتیک‌های مراقبت از چشم وجود دارد که می‌توانید از آن‌ها برای محدود کردن تاثیر صفحه‌نمایش دیجیتال روی چشم‌هایتان استفاده کنید.
انجمن بینایی سنجی آمریکا توصیه می‌کند در زمانی که مجبور به استفاده از صفحه نمایش‌های الکترونیکی هستید، از قانون ۲۰-۲۰-۲۰ پیروی کنید، به این ترتیب که حداقل هر ۲۰ دقیقه یک بار ۲۰ ثانیه از همه صفحه‌ها فاصله بگیرید و به جسمی که ۲۰ فوت دورتر است نگاه کنید.

راهبردهای دیگر برای محافظت از چشمان شما در برابر صفحه نمایش دیجیتال عبارتند از کاهش روشنایی دستگاه، تغییر حالت تاریک و استفاده از عینک مسدود کننده نور آبی.

از نگاه مستقیم به آفتاب خودداری کنید

خیره شدن طولانی مدت به آفتاب فقط ناراحت‌کننده نیست بلکه می‌تواند باعث آسیب جدی و گاهی دائمی به چشم شما شود. هنگامی که اشعه ماوراء بنفش آفتاب وارد چشم شما می‌شود، می‌تواند رادیکال‌های آزاد را تشکیل داده و به شبکیه چشم شما آسیب برساند که به طور بالقوه باعث ایجاد وضعیتی به نام رتینوپاتی آفتابی یا نوری می‌شود.
علائم خفیف‌تر رتینوپاتی آفتابی می‌تواند از آبریزش چشم تا ناراحتی چشم و سردرد متغیر باشد. اگر مورد شما شدیدتر باشد، ممکن است تاری دید یا نقاط کور را تجربه کنید. برای برخی افراد، این اثرات غیرقابل برگشت است. اگر متوجه شدید که بینایی شما پس از مشاهده ماه گرفتگی یا نگاه کردن به آفتاب بدتر شده است، در اسرع وقت به داکتر مراجعه کنید.
به غیر از استفاده از عینک آفتابی، راه‌های موثر دیگری برای محافظت از چشمانتان در زمانی که در بیرون از خانه هستید، وجود دارد؛ به عنوان مثال اگر در حال باغبانی یا پیاده‌روی هستید، می‌توانید از یک کلاه لبه‌دار یا گیره برای پوشاندن چشم‌هایتان استفاده کنید.
خواب با کیفیت داشته باشید اگر تا به حال از خواب ضعیف شبانه با چشم‌های خشک و خارش بیدار شده‌اید، تجربه کرده‌اید که چگونه کمبود خواب با کیفیت می‌تواند بر سلامت چشم شما تاثیر بگذارد و علم نیز این موضوع را تایید می‌کند.
در یک مطالعه، محققان ارتباط بین خواب کم کیفیت

و بیماری خشکی چشم را کشف کرده و اشاره کردند که کیفیت خواب پایین می‌تواند اثرات DED را تشدید کند.

زمانی که خسته هستید، احتمال مالش چشم‌هایتان نیز بیشتر است که می‌تواند منجر به آسیب چشم یا عفونت شود. به طور جداگانه نداشتن خواب کافی با سایر مشکلات سلامتی آزاردهنده، اما غیر جدی، از جمله میوکیمیا (تقوع چشم)، چشم‌های خونی و پف کردگی و کیسه‌های زیر چشم مرتبط است.

برعلاوه معضلات دیگر، آلودگی هوا یکی از معضلات هر جامعه ای است که چشم انسان نیز از آن متاثر شده، ضرر میبیند و اثرات آلودگی هوا فقط بر روی محیط نیست بلکه بر روی افراد نیز تاثیرات بسیار زیادی دارد.

از تاثیراتی که آلودگی هوا بر روی سلامت چشم ها دارد می توانیم به خارش، سرخی، ریزش اشک و سوزش و درد چشم اشاره کنیم.

یک عینک محافظ به خوبی قادر است که از چشم در برابر ذرات معلق هوا محافظت کند. همچنین باید در نظر بگیرید که باید از تماس مدام دست با چشم به صورت کلی خودداری کنید. این مورد می تواند در حکم حفاظت از چشم در نظر گرفته شود.

به طور کلی توجه به این نکته ضروری است که ما باید به حفاظت از چشمان خود بسیار اهمیت بدهیم درست مثل استفاده از عینک‌های محافظت و روش های مراقبتی از هوا در داخل منزل می‌توانیم استفاده کنیم تا از اثر آلودگی هوا بر روی چشمان خود جلوگیری به عمل آوریم. البته شما باید نوع آلودگی را شناسایی کنید و سپس نسبت به آن برای حفاظت از چشم اقدام کنید.

تمیز کردن چشمان جز راهکار مهم است ولی باید بتوانید چشمان خود را شست و شو دهید تا مشکلی برای آنها پیش نیاید. این امر نیز جز نکاتی است که باید در نظر بگیرید و توجه به آن نیز به هیچ عنوان خالی از لطف نخواهد بود.

معمولا در خصوص آلودگی اولین چیزی که گریبان‌گیر چشمان ما می‌شود سوزش است. به این ترتیب ما می‌توانیم از قطره های چشم استفاده کنیم که به کاهش خارش و سوزش چشم کمک‌های فراوانی می‌کند. استفاده از لوسیون نیز در این امر از اهمیت بالایی برخوردار است. این محصول نیز می‌تواند باعث رساندن رطوبت به چشم شود و این امر سوزش و خارش چشم را کاهش می‌دهد.

پنبه و آب گرم نیز جز وسایلی است که باعث کاهش سوزش چشم و رفع آن می‌شود. بدین منظور می‌توانیم پنبه را با آب گرم مرطوب کنیم و روی چشمان خودمان قرار دهیم. در برخی منابع نیز گفته شده که اگر می‌خواهید سوزش احساس نکنید از قاب عینک استفاده کنید. این کار در فضای باز اگر انجام گیرد باعث می‌شود تا برقراری تماس با چشم کمتر شود و سوزشی در چشمان شما ایجاد نگردد.

فراموش نکنیم که چشم از مهمترین اعضای بدن است، این را وقتی می‌دانیم که چشم ما به مشکل بخورد. چشم، رهنمای ما برای رسیدن به اهداف ماست.

بخاطر داشتن چشم‌های سالم، باید تلاش کنیم تا از آنان محافظت کرده، اجازه ندهیم که عوامل مختلف محیطی، به سادگی، این عضو از بدن ما را تحت تاثیر قرار داده، ما را از این نعمت الهی، بی‌نصیب گرداند. خوشبختانه در جوامع اسلامی، به دلیل این که برای ادای نماز، هر فرد مسلمان وضوء می‌گیرد و صورتش را شست‌وشو می‌دهد، آب به چشم‌های فرد مسلمان نیز رسیده و چشم‌های نیز شست‌وشو گردیده، میکروب و ذرات کوچک را از چشم پاک می‌کند.

باغچه علم، معرفت و آگاهی

«ارشادهای ناب»

تهیه کننده بخش: عبدالله هروی







رهنمودهای قرآنی

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «و کسـانی کـه بـرای انـکار و ابطـال آیـات مـا تـلاش می‌کننـد و مـی پندارنـد از تسـلط قـدرت مـا فـرار خواهند کـرد، در عـذاب (الهـی) احضـار می‌شـوند.» (سـوره مبارکه سـبأ/ آیـه ۳۸)

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «ای کسـانی کـه ایـمان آورده ایـد! از (مخالفـت بـا فرمان) اللـه بپرهیزید، و بـا صادقین باشـید.» (سـوره مبارکه توبـه/ آیه ۱۱۹)

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «و کسـی کـه اللـه و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رسـتاخیز) هم‌نشـین کسـانی خواهـد بـود کـه اللـه، نعمـت خـود را بـر آنـان تمـام کـرده؛ از پیامبـران و صدیقـان و شـهدا و صالحـان؛ و آن‌هـا رفیق‌هـای خوبـی هسـتند.» (سـوره مبارکـه النسـاء/ آیـه ۶۹)

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «از امـوال آن‌هـا صدقـه ای بعنـوان زکات بگیـر تـا بوسـیله آن، آن‌هـا را پاک سـازی و پـرورش دهی و به هنـگام گرفتن زکات به آن‌هـا دعـا کن کـه دعای تـو مایه آرامش آن‌هاسـت؛ و اللـه شـنوا و داناسـت.» (سـوره مبارکـه توبـه / آیه ۱۰۳)

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «و هر انسـانی اعمالش را بـر گردنـش آویخته ایم و روز قیامـت کتابی برای او بیـرون می‌آوریـم کـه آن را در برابـر خود گشـوده می‌بینـد! (ایـن هـمان نامـه اعـمال اوسـت) (و بـه او می‌گوییـم کتابـت را بخـوان، کافـی اسـت کـه امـروز، خـود حسـاب‌گر خویـش باشـی!» (سـوره مبارکـه اسراء/ آیه‌هـای ۱۳ و ۱۴)

خداونـد متعـال می‌فرمایـد: «ای مـردم از (عـذاب) پـروردگار تـان بترسـید، کـه زلزلـه رسـتاخیز امـر عظیمـی اسـت! روزی کـه آن را می‌بینیـد،

(آن‌چنان وحشت سراپای همه را فرا می‌گیرد که) هر مادر شیردهی کودک شیرخوارش را فراموش می‌کند؛ و هر بارداری، جنین خود را بر زمین می‌نهد؛ و مردم را مست می‌بینی در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب الله شدید است!» (سوره مبارکه حج/ آیه ۱ و ۲)

خداوند متعال می‌فرماید: «پس کسی که نامه اعمالش به دست راست‌اش داده شود به زودی حساب آسانی برای او می شود و خوشحال به اهل و خانواده اش باز میگردد و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود، بزودی فریاد می‌زند وای بر من که هلاک شدم و در شعله های سوزان آتش می‌سوزد. چرا که او در میان خانواده اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسرور بود! او گمان می کرد هرگز بازگشت نمی کند. بلی، پروردگارش نسبت به او بینا بود (و اعمالش را برای حساب ثبت کرد.» (سوره مبارکه انشقاق / آیه‌های ۷ - ۱۵)

خداوند متعال می‌فرماید: «ما برای ستم‌گران آتشی آماده کردیم که سرا پرده اش آنان را از هر سو احاطه کرده است و اگر تقاضای آب کنند، آبی برای آنان می‌آورند که همچون فلز گداخته صورت‌ها را بریان می‌کند! چه بد نوشیدنی، و چه بد محل اجتماعی است.» (سوره مبارکه کهف/ آیه ۲۹)



دُر گفته‌های نبوی

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «مثل مسلمان‌ها در محبت و رحمت و مهربانی‌شان به همدیگر مانند یک جسد است که هرگاه عضوی از آن بدرد آید دیگر اعضای جسد در تب و بیدار خوابی با آن همراهی می‌کنند.» (متفق علیه)

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «کامل‌ترین شما از لحاظ ایمان، نیکوترین شما از روی اخلاق است.» (رواه الترمذی)

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «نشانه‌های منافق سه تا می‌باشند: هنگامی سخن زند دروغ گوید، چون وعده کند تخلف نماید و آنگاه که او را امین شمرند، خیانت می کند.» (متفق علیه)

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «آگاه باشید که در جسم پاره گوشتی است که اگر اصلاح شود، همه جسد درست و اصلاح گردد و اگر فاسد گردد، تمام جسم فاسد گردد و بدانید که آن قلب است.» (متفق علیه)

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «و آن که به ما خیانت کند، از ما نیست.» (رواه مسلم)

حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: «کسانی که بخل می‌ورزند و آنچه را الله از فضل خویش به آنان داده، انفاق نمی‌کنند؛ گمان نکنند این کار به سود آن‌ها است؛ بلکه برای آن‌ها شر است؛ بزودی در روز قیامت آن‌چه را نسبت به آن بخل ورزیدند، همانند طوقی به گردن شان می‌افگنند و میراث آسمان‌ها و زمین از آن الله است؛ و الله، از آن‌چه انجام می‌دهید آگاه است.» (رواه مسلم)



معلومات دینی

در دین اسلام، خواندن قرآن اهمیت بسیاری دارد. خداوند بزرگ می‌فرماید : «هر مقدار که ممکن است قرآن بخوانید» (سوره مزمل آیه ۲۰)

برای این که ما به این عبادت برتر روی آوریم، باید خواندن قرآن را به شیوه درستش یاد بگیریم و به دیگران نیز یاد بدهیم.

دانستنی‌هایی از قرآن کریم:

- قرآن‌کریم دارای صفات بسیاری است از آن میان دو صفت کریم و مجید که در خود قرآن نیز آمده‌اند، مشهورترند.

– برای نخستین بار، سوره مبارکه علق و آیه إِقْرَأ بود که در شهر مکه، در غار حراء در ٤٠ سالگی پیامبر اسلامﷺ فرو فرستاده شد.

– تمامی قرآن در مدت ٢٣ سال نازل شد که ١٣ سال آن در مکه و ١٠ سال آن در مدینه بوده است.

– طولانی‌ترین سوره قرآن‌کریم، سوره مبارکه البقره با ٢٨٦ آیه و کوتاه‌ترین سوره آن، سوره مبارکه کوثر با ٣ آیه می‌باشد.

– طولانی‌ترین آیه قرآن‌کریم، آیه ٢٨٢ سوره مبارکه البقره و کوتاه‌ترین آیه، آیه ١ سوره مبارکه طه می‌باشد.

– داشتن وضوء هنگام تلاوت قرآن‌کریم و تلاوت آن با ترتیل و رعایت قواعد تجوید، واجب است.



معلومات عمومی

اسکلت بدن انسان در یک بزرگسال از حدود ٢٠٦ تا ٢١٣ استخوان تشکیل شده است. بر خلاف بزرگسالان، اسکلت بدن کودکان، در ابتدا از ٣٠٠ استخوان تشکیل شده است. این تعداد با رشد کودک و ادغام برخی استخوان‌ها، به ٨٠ استخوان در اسکلت محوری و ١٢٦ استخوان در اسکلت ضمیمه‌ای کاهش می‌یابد.

دوغ، بهترین نوشیدنی برای تابستان و دیگر فصل‌ها، نوشیدنی مورد علاقه افغان‌ها، تأمین‌کننده یک چهارم نیاز روزانهٔ بدن به کلسیم و حاوی ویتامین‌های ب٢ و ب٦ و ب١٢ است و مزایای فراوان دارد.
وجود باکتری‌های مفید در دوغ، اثرات بسیار مفیدی بر سلامت دستگاه گوارش دارد و مانع رشد باکتری‌های مضر می‌شوند.

خواب ناکافی به مرور زمان با ایجاد التهاب و تاثیر روی ارتباط بین سلول‌های مغزی، به مغز آسیب وارد می‌کند، و اما خواب کوتاه روزانه، چرتی کوتاه (که سنت نبوی صلی الله علیه و سلم نیز است)، با جبران کمبود خواب، از مغز در برابر زوال عصبی محافظت می‌کند.

کوه‌ها که به میخ‌های زمین مشهورند و برعلاوه بخشیدن نمای خاص به طبیعت، ارزش مالی (معدنی) در خود دارند، به گونه‌های مختلف تقسیم شده‌اند که یکی از مبناهای دسته‌بندی کوه‌ها می‌تواند چگونگی تشکیل کوه‌ها باشد که بر این اساس می‌توان کوه‌ها را به چهار نوع اصلی تقسیم نمود:
- کوه‌های چین خورده یا پرچیده
- کوه‌های آتشفشانی
- کوه‌های قطعه‌ای-گسلی
- کوه‌های بالا خمیده



رښتونی او وړ قیادتونه د معنویت سرچینه وی

محسن سعود

په ګران افغانستان کې څلور نیمې لسیزې ښېلابېلو جګړو او جهادي ښېرونو د هغه د آب وهوا او د جغرافیوي جوړښت او موقعیت د ښکلا او ارزښت ترڅنګ د افغان غیور او مجاهد ولس پر عقیدوي صلابت ولاړو ځانګړنو معنویات هم را برسېره کړل. اوس که د نړۍ بام، د منځنۍ اسیا د اقتصاد او نښلون څلورلارې، د امپراتوریو هدیرې او... تمثیلي نومونه ورته کارېږي، که پرې د کومې امپراتورۍ یرغل د هغې د ځپل کېدو او له منځه یې د تللو پېلامه ګڼل کېږي، که افغانستان او افغانان یو باشهامت او کفر ځپونکی او د معنویت له پراخو سرچینو غني او بډای هېواد او ولس یادېږي او که د ګېو او هراړخیزو خپلو تجربو ترڅنګ د نړۍ ازادۍ خوښې ولسونه او غورځنګونه ترې الهام اخلي او د تجربو له غنامندۍ یې ګټه پورته کوي؛ په ښکلا، ارزښت او عقیدوي صلابت کې یې د پټو معنویاتو له سیند څخه څو څاڅکي دي. دلته چې امپراتورۍ راغلې؛ د نړۍ د قیادتونو ښېلابېل ډولونه یې هم تجربه کړل او پرې سربېره یې د یو موټي افغانانو تر منځ د خپل جنس ګڼ ګوندونه وزېږول چې له خپلې افغاني وینې او رنګ څخه د خپل ډول ځینې نور قیادتونه هم پرې تجربه کړي. خو څرنګه چې امپراتورۍ پر مادیاتو ولاړې وې؛ هغسې یې دلته په تجربه کولو راوارد کړې او زېږولي قیادتونه له معنویت څخه تس نس و. نه یې زموږ افغانانو له معنویاتو سره اړخ ور کړ چې معنوي ځواك یې لا غښتلی کړي، نه یې له أمله پر وړاندې د ټینګې شول او نه یې هم پر له منځه تللو کومه تشه را منځته شوه چې پرې خوار وګڼل شو.

بلکې لا زېږولیو قیادتونو یې د یرغلګرو امپراتوریو د پاتې شونو په رول کې د اړوندې انګېزې له مخې تر هغو هم پسې ور واړوله او دا ځکه چې افغانستان او افغانان د معنویت له پراخو سرچینو او په ځانګړې له خپلولۍ او د خپلواکۍ له روحیې او دریځ څخه سرشاره، غني او بډای هېواد او ولس دی، خو پردیو امپراتوریو زېږولي دغه قیادتونه د نور سربېره د پردیپالۍ له انګېزې سره را منځته او یو موټی(یو بدن او یوه سا)ولس پرې لسګونه ټوټې کړل شوی و. د ولس له منځه یادو قیادتونو ور ښېل او په مخه کړې افغانان پر ګوندونو او د هغو پر دننه ډلو وېشل شوي و او پر دې سربېره یې د افغانانو د رښتونو او وړ قیادتونو ځپلو هم پر ټول توان هڅې وکړې چې په دې سره طبعاً رښتوني او پر معنوي ځواك تکیه افغانان یوه جلا او بې دفاع ټوټه ګرځېدلې وه. دوه-درې پخواني جهادي مشران او ګڼ مجاهدین هم د دغې ټوټې برخه ګڼل کېده چې د رښتونو او وړ قیادتونو په توګه یې د معنویت سرچینه وګرځېدل او معنوي ځواك یې ور غښتلی کړ. د مولوي نصرالله منصور، مشر حقاني صاحب او نورو رحمهم الله په هلو ځلو پسې له همدې داعیې سره لوی ملاصاحب رحمه الله د طالبانو خوځښت را پیل او په خپله رښتونولۍ او غوره وړتیا یې د افغانانو د معنویت او

معنوی ځواك د سرچينې په توګه يو داسې ځواكمن قيادت را منځته كړ چې د۴نيمې لسيزې جهادی پير كابو نيمايي موده او بيا تر اوسه يې د افغانستان، افغانانو او افغانيت اصلی هويت خوندی او بډاى ساتلی دی.

لوی ملاصاحب رحمه الله د اسلامی امارت او هغه ته د رښتونی او حقيقی ملی خوځښت حيثيت وركولو له لارې دغه قيادی رښتونولی، وړتيا او وركې راتېول او پروت معنويت او معنوی ځواك له اسلامی خلافتونو را وروسته په لوموړی ځل ببرته را ګرځولی او هغه يې هم د افغانستان او افغانانو په څېر له معنويته سرشاره، غنی او بډاى هېواد او ولس برخه يې ګرځولی دی. د يو ولس، ټولنې، ډلې او رنې معنويت له داسې قيادت څخه سرچينه اخلی چې د كلك يووالی او همغږۍ پياوړی عضلات، رينبه او د معنويت پر مانا د پوره ټولو اړينو غوښتنو د ځواب ويلو ملكه ولرى چې د اسلامی امارت اوسنی قيادت په دغه معيار بشپړ پوره دی. د هغه پخوانی او اوسنی مشران، رهبری او كابينه او له منځنی تر ټيټ پوړ زياتر چاروكی او مجاهدين هماغه د مشر ملا صاحب پر فكری مشرب او رښتونی او وړ قيادت پالل شوی او د افغانستان او افغانانو لپاره د معنويت سرچينه ګرځيدلی چې د معنوی ځواك همدې قيادی سرچينې پر لرلو موږ لومړی د وسلوالې جګړې او بيا اوس د مسئول نظام او حكومتولۍ د كورنی او بهرنی محوررونو او جبهو پر ټولو اړخونو او د اړوند پاليسيو او سياستونو پر ډګرونو د ګردې نړۍ پر وړاندې دربدلی، ولاړ او بشپړ بريالی هم يو او دا د پرديو اميراتوريو را وارد كړيو او زېږوليو قيادتونو په مشرۍ هيڅ شونې نه وه او نه هم ده.

نو اوس هم كه د معنوی ځواك دغه قيادت لخوا ځينی همغه قيادتونه دلته په كور دننه د خپل ګوند او ډلې منحل كېدو ته زړه نه ښدی او ځينی يې بيا په هغه كې د پرديو له خوښې سره د سم بدلون په پار په بهر كې د مروری شپې ورځې سبا كوی او د همدې لپاره هملته غونډې منډې او غورځې پرځې كوی، افغانان او د هغوی لرغونی رنګين تاريخ يې د خپلو معنوياتو او معنوی ځواك دښمن او ملی خائن ګڼی. د اسلامی امارت په مشرۍ د افغانانو اوسنی قيادت كه له قيادی پلوه او د حكومتولۍ او نظام په ډول كې تر دې هم مثبت بدلون غواړی، هغه به دا وی چې افغانانو ته د هغوی له منځه تر ځان هم ژمن او غوره قيادت پيدا كړی، هغوی يې ولرى او د دښمن، سيمې او نړۍ د چلند پر وړاندې او هم پر ځان د بسياينې لپاره كلك يووالی او همغږۍ راشی چې أمير المؤمنين په خپل وروستی اختريز پيغام كې همدې ته په اشارې ويلی چې كه افغانان كلك يووالی رامنځته كړی او نوموړی له مشرۍ ګوښه كوی؛ دی په خوښه د خپلې مشرۍ له موقفه تېر دی. خو د هغه په مشرۍ اسلامی امارت يو بې بديله، رښتونی او وړ قيادت او د افغانانو د معنويت سرچينه ده چې ترې مثبت بدلون په اوسنيو شرائطو كې نه راتلی شی، نه يې تمه كېږی او نه يې د ګنو قيادتونو له تجربې وروسته استفراق كولو پسې اوس افغان ولس غواړی. دا ښېله خبره ده چې پرديو رامنځته كړی ګوند پال يې د هغوی د لاس همدې يوازينۍ نښې منحل كېدل ونه زغمی او يا د پرديو له خوښې سره سم بدلون غوښتونكی يې د ويانا په عيادتی(د مرض پوښتنې)غونډو كې د امير المؤمنين تر ټولو نږدې او كلك اطاعت كونكی چاروكی په جګړه پسې د سولې سرې هم يادوی او پرې د خپل عيادت اړوند درد دوا كوی.

پرسش‌ها و پاسخ‌های شرعی



بخش بیست و ششم

درآمد از برنامه مت مکس

سوال: یک برنامه انترنتی به نام مت مکس وجود دارد که تبلیغات شرکت‌های مشهور مانند شرکت (BMW)، کوکاکولا، اپل و غیره را انجام می‌دهد، ما اول باید ۳۰۰ دالر برای خود حساب باز کنیم و بعد از حساب باز کردن روزانه ۱۰ ویدیوی تبلیغاتی به ما ارسال می‌کند، ما باید آن را دیده و لایک کنیم و در مقابل هر ویدیو که مشاهده نموده و لایک کنیم مبلغ ۱ دالر به حساب ما می‌آید و بعد از ۳ ماه حساب خود را مسدود می‌کنیم و ۳۰۰ دالر خود را دریافت می‌کنیم. آیا این روش و پولی را که می‌گیریم شرعا حلال است یا خیر؟

الإجابة و منه الإصابة:

اگر حقیقت طوری باشد که شما نوشته‌اید: آنچه از معلومات در مورد این برنامه به دست آمده است این است که از طریق این برنامه هزار و دوصد قلم اشیاء تبلیغ می‌گردد که از آن جمله وسائل آرایشی، شامپو و صابون و غیره نیز می‌باشد که شرکت‌ها در تبلیغات این امور از زنان برهنه و نیمه برهنه نیز کار می‌گیرند. همچنان مفادی که از این رهگذر برای مالک این برنامه به دست می‌آورد از چند جهت است: ۱) تعداد مشترکین که در برنامه‌های مجازی اضافه می‌گردد سبب کثرت مفاد و پول برای وی می‌گردد. ۲) از پولی که نزد شرکت کننده در این برنامه جهت باز کردن حساب می‌گیرد نیز برای او مفاد است زیرا از آن پول برای خود استفاده می‌کند درحالیکه این پول از دیدگاه شرعی حکم امانت را داشته و این شخص حق استفاده ندارد. ۳) از درک نشر و پخش ویدیوها به نیابت از شرکت‌های بزرگ که از این درک نیز برای مالک برنامه کسب مفاد می‌شود.

لذا در صورتیکه مقدار ۳۰۰ دالر و یا بیشتر جهت تضمین از شما گرفته شده و بعدا در بدل هر ویدیوی که برای شما ارسال می‌کند و شما آن را مشاهده می‌کنید برایتان پول بدهد شرعاً این کار به اساس شروط ذیل صحت دارد:

۱- آنچه در ویدیویی که ارسال می‌گردد متضمن ضرر دینی و اخلاقی نباشد و با عقیده اسلامی کدام منافاتی نداشته باشد.

۲- این ویدیوها حاوی تصاویر زنان برهنه و نیمه برهنه نبوده که باعث فتنه گردد.

۳- این ویدیوها دارای موسیقی نباشد.

٤- این کار باعث ضیاع وقت نگردد.

لذا در صورتیکه شروط مذکور در این برنامه موجود نباشد شرعاً کسب درآمد از طریق آن ممنوع و ناجائز می‌باشد.

دارالعلوم عالی هرات

شعبه دارالافتاء

بيع نقد و نسيه با تفاوت قيمت

فروختن جنسي نقداً به يك قيمت و نسيه به قيمت بالاتري از آن، آيا اين معامله شرعاً صحيح مي‌باشد يا خير؟ و آيا در حكم ربا داخل مي گردد يا خير؟

الجواب باسم ملهم الصواب

مسئله مذكور در كتب جديد و قديم مورد بحث و بررسي قرار گرفته است، ائمه اربعه و جمهور فقهاء و محدثين اين معامله را جائز قرار داده‌اند كه شخصي مالش را نقداً به يك نرخي بفروشد و به طور نسيه به نرخ بالاتر از آن، به شرطي كه بائع و مشتري روي يك نرخي توافق نمايند كه نقداً مي‌خرد يا به طور نسيه، اما اگر يك نرخ را تعيين نكردند بلكه همانگونه مجهول گذاشتند كه اگر مشتري نقداً پول بدهد فلان قيمت، و اگر نسيه بخرد به قيمت بالاتر و روي نقد يا نسيه توافق نكردند اين معامله شرعاً جائز نمي‌باشد.

امام ترمذي در سننش در زير حديث سيدنا ابوهريره‌رضي الله عنه: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ‌صلی الله علیه وسلم عَنْ بَيْعَتَيْنِ فِي بَيْعَةٍ» چنين مي‌فرمايد:

«وقَد فسَّر بعض اهل العلم قالوا: بيعتين في بيعة أن يقول: أبيعك هذا الثوب بنقد بعشر وبنسيئة بعشرين ولا يفارقه على أحد البيعتين فان فارقه على أحدهما فلا بأس إذا كانت العقدة على أحد منهما». [جامع الترمذي كتاب البيوع].

خلاصه قول امام ترمذي/ اين است: علت نهي اين معامله مردد ماندن در دو حالت است بدون اينكه يك جانبش تعيين گردد. زيرا كه در اين تردد، در ثمن جهالت پيدا مي‌شود و سبب نهي اين معامله اين نيست كه به خاطر اجل و مهلت در قيمت چيزي اضافه كرده است، لذا اين معامله شرعاً درست است و از روي دليل هم همين راجح است زيرا كه در قرآن كريم و احاديث رسول اكرم‌صلی الله علیه وسلم از اين نوع معامله نهي شده است و تعريف ربا هم در اينجا منطبق نمي گردد زيرا اين معامله نه قرض است و نه معامله ربوي با امثالش (مانند گندم به گندم، جو به جو، طلا به طلا و غيره...).

بلكه اين معامله، بيع محض است و بائع هم اختيار دارد كه مالش را به هر قيمتي كه بخواهد بفروشد و لازم نيست كه آن را هميشه به نرخ بازار بفروشد، نيز اگر همين شخص مالش را به نرخي كه نسيه گفته، نقداً به همان نرخ بفروشد هيچ مانع شرعي وجود ندارد پس چگونه جايز نيست كه نسيه به همان نرخ تعيين شده بفروشد.

خلاصه اينكه اين مسئله نزد ائمه اربعه و جمهور فقهاء جايز و صحيح مي‌باشد چنانكه در كتب ذيل از مذاهب اربعه مورد بحث قرار گرفته است:

[المغني لابن قدامة الحنبلي: ۱۱۷/٤ الدسوقي على الشرح الكبير للمالكي: ۵۸/۳، مغني المحتاج للشربيني الشافعي: ۳۱/۲ والمبسوط للسرخسي: ۸/۱۳].

و عبارت مبسوط علامه سرخسي چنين است:

«وإذا عقدا العقد على انه إلى أجل كذا بكذا وبالنقد بكذا أو قال إلى شهر بكذا أو إلى شهرين بكذا فهو فاسد لأنه لم يعاطه على ثمن معلوم ولنهي النبي‌صلی الله علیه وسلم عن شرطين في بيع وهذا هو تفسير الشرطين في بيع ومطلق النهي يوجب الفساد في العقود الشرعية وهذا إذا افترقا على هذا فان كان يتراضيان بينهما ولم يفترقا حتى قاطعه على ثمن معلوم وانما العقد عليه فهو جائز لأنهما ما افترقا الا بعد تمام شرط صحة العقد». [المبسوط: ۸/۱۳ط دار المعرفة بيروت].

و علاوه از مبسوط، در فتح القدير: ۲۱۸/۵، بذل المجهود شرح ابوداود: ۱۳٤/۵ و بقيه كتب فقه و شروح حديث مورد بحث و بررسي قرار گرفته است.

والله أعلم بالصواب

خدانظر -عفا الله عنه-

دارالافتاء حوزه علميه دارالعلوم زاهدان

۱٤۱۷/۹/۲۰هـ.ق

صفحهٔ ویژه شیربچه‌های هندوکش

تهیه و جمع‌آوری:
صلاح‌الدین نیمروزی

باغ‌دار سخی

مردی از مردم یمن بود که باغی با انواع میوه‌ها داشت، این مرد در فصل برداشت، قبل از اینکه بخشی از آن را به عنوان صدقه بین فقرا و نیازمندان تقسیم کند، چیزی از آن نمی‌خورد. او از برکت صدقه و خیری که به مردم می‌داد، بهره می‌برد.

هنگامی که مرگش فرا رسید، فرزندان خود را به ادامه صدقه به فقرا و نیازمندان توصیه کرد. به آنها گفت که برکت و استمرار پول از این اعمال ناشی می‌شود. اما فرزندانش به وصیت پدرشان عمل نکردند و از صدقه دادن فقرا جلوگیری کردند. آنها گمان می‌کردند که صدقه دادن به فقرا و اطعام آنها باعث کاهش محصول می‌شود و آنها هستند که با کاشت و برداشت سخت کار می‌کنند، در حالی که آن بیچارگان هیچ کاری برای آنها انجام نمی‌دهند، بنابراین آنها مستحق نیستند.

در شب برداشت، قصد برداشت میوه‌های باغ را داشتند، پس قبل از آن که فقرا به سراغشان بیایند از خواب بیدار شدند و با عجله به سمت باغ رفتند تا آن محصولات را برداشت کنند، اما باغشان چنان بود که گویا آتشی آن را سوزانده و چیزی از آن باقی نمانده بود، تعجب کردند و فهمیدند که این عذابی است از جانب خداوند زیرا می‌خواستند فقرا را از سهمی که خدا به آنها داده بود باز دارند، پس همه به درگاه خدا توبه کردند و با او عهد کردند که دیگر به این عمل باز نگردند.



تحمل نفرت دیگران!

روزی معلم به بچه‌های کلاس گفت که می‌خواهد با آنها بازی کند. بچه‌ها غرق در شادی شدند؛ معلم برای این بازی از آن‌ها خواست که فردا هر کدام یک کیسه پلاستیکی بردارند و درون آن به تعداد آدم‌هایی که از آنها بدشان می‌آید سیب زمینی بریزند و با خود به مدرسه بیاورند!

فردا بچه‌ها با کیسه‌های پلاستیکی به مدرسه آمدند. در کیسه‌ی بعضی‌ها ۲ بعضی‌ها ۳ و بعضی‌ها ۵ سیب زمینی بود. معلم به بچه‌ها گفت: تا یک هفته هر کجا که می‌روند کیسه پلاستیکی را با خود ببرند.

روزها به همین ترتیب گذشت و بچه‌ها کم کم شروع کردند به شکایت از بوی سیب زمینی‌های گندیده! علاوه بر این آن‌هایی که سیب زمینی بیشتری داشتند از حمل آن بار سنگین هم خسته شده بودند.

پس از گذشت یک هفته بازی بالاخره تمام شد و بچه‌ها راحت شدند.

معلم از بچه ها پرسید: از اینکه یک هفته سیب زمینی‌ها را با خود حمل می‌کردید چه احساسی داشتید؟

بچه ها از اینکه مجبور بودند سیب زمینی‌های گندیده و بدبو و سنگین را همه جا با خود حمل کنند شکایت داشتند.

آنگاه معلم منظور اصلی خود را از این بازی این چنین توضیح داد: این درست شبیه وضعیتی است که شما کینه‌ی آدم‌هایی که دوستشان ندارید را در دل خود نگه می‌دارید و همه جا با خود می‌برید.

بوی بد کینه و نفرت قلب شما را فاسد می‌کند و شما آن را همه جا همراه خود حمل می‌کنید. حالا که شما بوی بد سیب زمینی‌ها را فقط برای یک هفته نتوانستید تحمل کنید پس چطور می‌خواهید بوی بد نفرت را برای تمام عمر در دل خود تحمل کنید؟



زندگان جاوید بخش سی و هفتم

زندگی‌نامه

شهید خلیفه محمدعمرجان آخندزاده تقبله الله

نویسنده: فضل المنان سعید
مترجم: محمدصادق طارق

جامعه، کشور و ملتی که در تاریکی‌ها راه می‌پیماید و با انواع گرفتاری‌ها، بدبختی‌ها و ناملایمات مواجه است و از سوی دیگر تحت تهاجم فیزیکی، فکری، اقتصادی و سیاسی مستبدانهٔ بین‌المللی قرار داشته باشد، در چنین زمان حساسی برای این ملت و جامعهٔ مسلمان وجود علمای بیدار، مفکر، فهیم، جهادی و ربانی یک ضرورت حیاتی است و فقدان آنان قطعاً از دست‌دادن روح و حیات معنوی آن جامعه و ملت است. شهید سعید شیخ‌الحدیث و التفسیر خلیفه محمدعمر جان آخندزاده «تقبله‌الله» از علمای برجستهٔ کشور بود که ملت را با شهامت، متانت، صداقت و شجاعت به سوی علم، عرفان و مبارزه علیه طاغوت رهبری نمود و هیچ حادثه و مصیبتی او را از مسیرش منحرف و منصرف نکرد، و هرگز در برابر ظلم و ستم تسلیم نشد. وی در شرایطی مشعل هدایت و معرفت برای این ملت بود که کشور با اشغال فیزیکی، سیاسی و فکری طاغوت جهانی روبه‌رو بود.

شهید شیخ صاحب تقبله‌الله اگر از یک‌سو علوم دین را توسط درس و تدریس به مسلمانان ابلاغ می‌نمود و از طریق حلقات روحانی بر تقوی، دیانت و اخلاص آنان می‌کوشید از سوی دیگر با مجالس اجتماعی، سخنرانی‌ها و سیمینارها به آنان درس‌های ایثار، شجاعت و فداکاری تلقین می‌نمود و در وظیفهٔ مقدس به‌دست‌آوردن استقلال کشور و تنفیذ شریعت از هیچ‌گونه فداکاری دریغ نورزید و در این راه مقدس خون پاک و روح خود را تسلیم پروردگار نمود.

تولد و تحصیل:

نام ایشان، محمدعمر بود. چون ایشان از کودکی فردی بسیار صالح بود، مادرش وی را محمدعمر جان صدا می‌کرد. وی فرزند ارشد استاد کل، مرحوم علامه عنایت‌الله صاحب، معروف به غبرگی آخندزاده، و نوهٔ مرحوم حضرت مولانا عبدالرزاق صاحب بود. ایشان در سال ۱۳۴۴ هـ.ش، در قریهٔ غبرگی از توابع ولسوالی شاه‌جوی ولایت زابل، در یک خانوادهٔ علم‌پرور و متدین، دیده به جهان گشود.

چون خاندان شیخ صاحب از قرن‌ها به عنوان خانواده‌ای همگام با تقوی، علم، جهاد و تدریس معروف بود، وی تحصیلات اولیهٔ خود را در خانهٔ خود، نزد شاگردان والد گرامی‌شان آغاز کرد؛ اما زمانی که انقلاب وحشیانهٔ ثور رخ داد و حکمرانی کمونیست‌ها بر افغانستان آغاز شد، مدارس و مراکز دینی تعطیل شدند، شیخ صاحب نزد پدر مرحوم خویش شروع به تعلیم کرد تا این‌که در سال ۱۴۰۴ ه.ق، موافق با ۱۳۶۲ ه.ش، مجبور به مهاجرت به پاکستان شد. پس از آن، سلسلهٔ تحصیلات فنون مروجه را در مدارس مختلف سرزمین هجرت به پایان رساند، و سرانجام در سال ۱۴۱۱ ه.ق، مطابق با ۱۳۶۹ ه.ش، از درس حدیث فارغ‌التحصیل شد.

درس و تدریس:

شهید شیخ صاحب تقبله‌الله به درس و تدریس علاقه، اخلاص و توجه خاصی داشت. حاصل همین اخلاص و توانایی خاصش بود که در سنین بسیار کمی افراد برجسته و ممتاز زیادی را تربیت کرد و علمش به حدی عام‌المنفعه گشت که در هر ولایت، ولسوالی و قریهٔ افغانستان، شاگرد داشت و تا حد زیادی همهٔ آن‌ها به خدمات شایسته‌ای مصروف بودند.

ایشان متصل پس از فارغ‌التحصیلی به خدمت مقدس تدریس مشغول شد. او تدریس را نوعی عبادت می‌دانست و به همین دلیل به بزرگی و کوچکی کتاب و تعداد شاگردان اهمیت نمی‌داد. وی در ابتدا تدریس را با عشق و صمیمیت فراوانی در مدارس کوچک از کتاب‌های کوچک شروع نمود تا این‌که از خانه خارج شد و در مدرسه با طلاب زندگی می‌کرد. ایشان مشکلات اقتصادی، سختی‌ها و سفرهای زیادی را تحمل نمود؛ اما پس از فراغت تا زمان شهادت، هرگز به درس و تدریس، بی‌اعتنایی نکرد.

از آن‌جایی که شیخ صاحب بر کتاب‌ها تسلط کامل داشت و دارای زبانی شیوا و اخلاص زیادی بود، در مدت‌زمان کوتاهی به شهرت رسید و باهوش‌ترین و با استعدادترین طلاب منطقه به حلقات تدریسش حاضر می‌شدند و ایشان مرکز توجه جامعات و مدارس بزرگ محله قرار گرفتند. جامعهٔ دارالعلوم هاشمیه (مدرسهٔ عبدالخالق آغا) در آن زمان بزرگ‌ترین جامعهٔ منطقه بود، که شیخ صاحب در این مدرسه، به حیث استاد بزرگ منصوب گشت و در آن‌جا به مدت دوازده سال، هزاران طالب را تربیت کرد.

تفسیر قرآن کریم:

حضرت شیخ صاحب هرگز فرصت را از دست نمی‌داد و هرگاه از تدریس فنون فارغ می‌شد در ایام تعطیلات دورهٔ تفسیر قرآن کریم را آغاز می‌کرد و حدود ۱۵ سال به صورت مداوم در دوره‌های تفسیر قرآن کریم، مشغول تدریس بود. روش شهید شیخ تقبله‌الله در تفسیر، بسیار عام‌فهم و آسان بود و وی به‌جای نکات ریز تفسیری، به پیام‌های اصلاحی قرآن کریم توجه بیشتری داشت، به همین دلیل در کنار طلاب علوم دینی، عموم مسلمانان نیز از تعلیمات دینی‌شان بهره‌مند می‌شدند.

علت تدریس در جامعهٔ نورالمدارس:

حضرت شیخ صاحب خلیفهٔ مجاز شیخ‌المشایخ، کستم خلیفه صاحب بود و حضرت خلیفه وی را خیلی دوست داشت و نسبت به آن دل‌سوز بود، و گاهی به خانه‌اش تشریف می‌آورد. خلیفه صاحب قبل از مرگ خود به شهید شیخ صاحب توصیه کرده بود که از نورالمدارس، مدرسهٔ نوساز ایشان مراقبت کند. زمانی که مرحوم خلیفه صاحب از دنیا رفت، شهید شیخ صاحب، به‌خاطر این‌که در مدرسهٔ خلیفه صاحب تدریس کند، از جامعهٔ هاشمیه استعفا داد.

علی‌رغم این‌که جامعهٔ هاشمیه به منزل شهید شیخ صاحب نزدیک بود، و وضعیت اقتصادی ایشان نیز خوب بود و هزاران طلبه داشت، اما بازهم به‌خاطر توصیهٔ مرحوم خلیفه صاحب استعفا داد و در مدرسهٔ نورالمدارس به تدریس پرداخت. ایشان هر روز حدود ۱۰ کیلومتر راه را با موتورسیکلت خود در زمستان سرد و تابستان گرم طی می‌نمود تا این‌که در یک حادثهٔ رانندگی، پای‌شان شکست. هنگام مجروحیت و بیماری که رفت‌وآمد برای‌شان دشوار بود، وی در مدرسه سکونت گزید و سپس از طرف مدرسه برای‌شان موتر کوچکی خریده شد.

دورهٔ حدیث:

شیخ صاحب به محض رفتن به جامعهٔ نورالمدارس، مشغول به خدمت احادیث شد و تمام کتاب‌های حدیث (دورهٔ کلان) را به تنهایی تدریس می‌نمود. پس از فارغ‌شدن از درس‌های دورهٔ کبری به تدریس کتاب‌های دورهٔ خورد (موقوف‌علیه) می‌پرداخت و این روند نزدیک به ده سال به طول انجامید. با روی‌کارآمدن امارت اسلامی در افغانستان، حضرت شیخ صاحب به درخواست خاص حضرت امیرالمؤمنین حفظه‌الله به قندهار فراخوانده شد و در آن‌جا به عنوان استاد حدیث در مدرسهٔ جهادی (مدرسه‌ای که والد محترم شهید شیخ صاحب تقبله‌الله در دورهٔ سابق امارت اسلامی در آن‌جا استاد بود) گماشته شد که تا سال شهادت خود، احادیث پاک پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به هزاران تن از طلاب دورهٔ خورد و کلان تدریس می‌نمود.

تصوف و طریقت:

این سخن خیلی واضح و روشن است که علمای تصوف و طریقت می‌توانند در کنار خودسازی، جامعه و امت را به نحو احسن و مؤثری اصلاح کنند. با توجه به این حقیقت، پیشوای مذهب ما حضرت امام ابوحنیفه رحمه‌الله به گذراندن دو سال در کنار مرشد خود افتخار می‌کند و همین امر را عامل اصلی موفقیت خود می‌داند. شهید شیخ صاحب در علوم ظاهری دست بالایی داشت و در کنار تعلیم و ترویج علوم ظاهری، زحمات فراوانی در علم تصوف نیز متحمل شد.

ایشان با حضرت شیخ‌المشایخ معروف به خلیفه کستم صاحب بیعت کرده بود و حدود ۱۶ سال پیش از سوی مرشد خویش به خلافت مشرف شد. ایشان از سایر خلفا متمایز بود؛ زیرا مرشدش به مسجد خود ایشان تشریف آورده و دستار خلافتش را بست. برکت عرفان در هر عمل حضرت شیخ صاحب سرایت کرده بود. کسانی که با او زیسته‌اند خوب می‌دانند که شیخ صاحب چه‌قدر نیت پاک، للهیت، اخلاص، زهد و تقوی داشت، و توجه کامل به خداوند متعال در هر زمان و نادیده‌گرفتن و دوری از وابستگی و تکیه بر انسان‌ها، معمول ایشان بود.

بعدها صدها نفر از طلاب، مجاهدان و عموم مسلمانان متدین با شهید شیخ صاحب تقبله‌الله بیعت کردند و تلاش شهید شیخ صاحب این بود که رابطه‌ای اصلاحی بین مردم ایجاد کند تا عمل‌نمودن به دین برای‌شان آسان شود.

تلاش‌های اصلاح جامعه:

شهید شیخ صاحب تقبله‌الله در کنار اصلاح طلاب و علمای دین، به اصلاح عموم مسلمانان نیز توجه کامل داشت. خداوند متعال به ایشان توانایی عجیب و غریبی در سخنرانی بخشیده بود و ایشان زبان سلیس، روان و مؤثری داشت. اکثراً مردم را تحت عنوان سیرت نبوی در جلسات گوناگونی گردهم جمع می‌نمود و آن‌ها را با سیرت، زندگی اجتماعی، اخلاق و شیوهٔ برخورد رسول اکرم ﷺ آشنا می‌کرد.

اگر مراسم نماز جنازه و فاتحهٔ شهیدی می‌بود، هر جایی که می‌بود، حاضر می‌شد و در آن‌جا علاوه بر تسلیت‌گفتن به خانواده و بازماندگان شهید، جهت زنده‌نگه‌داشتن روحیهٔ جهاد در میان مسلمانان، به ایراد سخن می‌پرداخت. وی علاوه بر این، برای مجاهدین نظامی سمینارهایی ترتیب می‌داد تا احکام جهاد و سیاست امارت اسلامی را به آن‌ها آموزش دهد و در آن‌جا روش‌های مبارزهٔ مسلحانهٔ امارت اسلامی و اصول و اخلاق نظامی را برای آن‌ها توضیح می‌داد. به گفتهٔ برخی از قوماندانان شرکت‌کننده در سیمینارها، شهید شیخ صاحب در سمینار تاکید بیشتر بر این داشت که با هم‌وطنان باید نرم و صمیمانه رفتار شود و از اذیت و آزار بی‌مورد آن‌ها پرهیز شود.

تلاش ایشان برای اصلاح ملت تا این سطح محدود نبود. روزگاری عالم فقید علامه ذاکری صاحب رحمه‌الله مهمان حضرت شیخ صاحب بود که ایشان یادآور شدند که ما مدیون لطف و محبت مردم عوام هستیم؛ زیرا تمام فعالیت‌های دینی ما با حمایت مالی آن‌ها انجام می‌شود. مدارس، مساجد، خانقاه‌ها، جهاد و ... به برکت حمایت مالی آن‌ها در حال اجراءاند؛ اما ما هنوز مهم‌ترین و اساسی‌ترین فریضه (نماز) را به این افراد آموزش نداده‌ایم. در این زمینه باید به کار عملی توجه نماییم.

وی در شروع کار طرحی به او ارائه کرد که هر امامی باید در مسجد خود به نمازگزاران نماز را تعلیم دهد. ذاکری صاحب رحمه‌الله این پیشنهاد را پذیرفت و برای این کار طرزالعمل ساخت. سپس به مساجد رفتند و در هر مسجد، اول سخنرانی کرده و سپس به امام جماعت وظیفه می‌سپردند که به اهل قریه نماز و مسایل آن را تعلیم دهد. این کار نتایج بسیار خوبی داد، افراد زیادی نماز را یاد گرفتند و اکثر جوانان همراه با تعلیم نماز به آموزش قرآن کریم نیز پرداختند.

تلاش اتحاد:

حضرت شیخ صاحب از طرف‌داران وحدت مسلمانان و مخالف سرسخت اختلاف بود. از مناظره‌های بی‌جا و اختلافات علما بر مسایل فرعی زیاد بد می‌برد، همیشه به علمای تازه‌فارغ‌التحصیل‌شده از رشته دورهٔ حدیث توصیه می‌کرد که جوانان جدید علاقهٔ زیادی به بحث و مناظره دارند، مواظب باشید، وارد این باتلاق نشوید، بلکه به جای آن در اصلاح مردم بکوشید، نماز و احکام شرعی را به مسلمانان عوام تعلیم دهید.

هنگامی که برخی از اشرار سعی در ایجاد اختلافات در صفوف پاک و متحد امارت اسلامی داشتند، حضرت شیخ صاحب به میدان آمد و با جسارت و شجاعت شعارهای آنان را بدبو خواند و مسلمانان را از افتادن در دام‌های آنان نجات داد. علاوه بر این، زمانی برخی از علمای مشهور بر سر مسایل جزیی اختلاف و دودستگی داشتند. حضرت شیخ صاحب که بسیار ناراحت بود آن‌ها را یک‌جا نمود و سعی کرد آن‌ها را فهمانده و مانع‌شان شود؛ اما چون جلوی آن‌ها گرفته نشد، بحث را تا پیش بزرگان کشاند که در نتیجه، آن افراد از هر گونه سخنرانی‌ها و مناظره‌های بیهوده منع شدند.

در کنار تلاش برای اتحاد و اتفاق علما، حضرت شیخ صاحب نقش برجسته‌ای در اتحاد و اتفاق عموم مسلمانان نیز داشت. اختلافات خانوادگی و قومی بسیاری از مردم را حل کرده و دشمنی و شرارت‌شان را به اتحاد، برادری و اخوت تبدیل نمود.

مسئولیت‌های وی در امارت اسلامی:

دلیل اصلی تمام ناخوشایندی‌هایی که برای مسلمانان، مخصوصا برای افغان‌ها رخ داده است، اختلافات و بی‌اتفاقی‌های داخلی بوده است. به همین دلیل تلاش‌های اساسی طاغوت در افغانستان، برای ایجاد اختلاف بود؛ اما خوش‌بختانه امارت اسلامی به فضل و کرم پروردگار متوجه شد که وحدت رمز موفقیت است، و از همین رو بر عوامل وحدت تمرکز داشت.

این یک واقعیت روشن است که رهبران و راهنمایان جامعهٔ ما علمای کرام هستند، بناءً امارت اسلامی در مناسبت‌های مختلف برای اتحاد علما تلاش ورزیده است، زیرا اتحاد مردمی با اتحاد علما ارتباط مستقیمی دارد؛ اما مؤثرترین مورد در این جریان، گردهمایی علماء تحت عنوان "مجالس فقهی" بوده است. از آن‌جایی که متحدنمودن علما برای کسی ممکن است که استاد کل و عالم مشهور باشد، حضرت شیخ تقبله‌الله زمانی ریاست سه شورای فقهی را برعهده داشت. وی در «مجلس فقهی محله» و «مجلس مرکزی شاه‌جوی» مسئولیت ریاست و در «مجلس عمومی مرکزی» مسئولیت نیابت ریاست را به عهده داشت که با اخلاص و استقامت فراوان، مشغول به انجام مسئولیت‌هایش بود.

شیخ شهید رحمه‌الله علاوه بر مسئولیت تدریس، امامت، خطابت و رهبری سه مجلس فقهی، یک مسئولیت سنگین دیگری نیز به عهده داشت، و آن «عضویت در هیئت تفحص» بود. ارزش و اهمیت این مسئولیت را از آن‌جا می‌توان دریافت که مقام رهبری حفظه‌الله آن را به خود مربوط نموده بود و هنوز نیز همین‌گونه است.

خلاصه این‌که حضرت شیخ شهید رحمه‌الله در امارت اسلامی مسئولیت‌های مهم و سنگینی را انجام داده است که می‌توان آن را از دلایل اصلی موفقیت امارت اسلامی نامید، یعنی در مجموع وحدت را به امارت اسلامی بخشیده است. خداوند زحمات‌شان را قبول کند. آمین

شهادت:

حضرت شیخ صاحب به همان اندازه‌ای که نسبت به مسلمانان دل‌سوز و مهربان بود، به همان اندازه نسبت به کفار اشغال‌گر و پیروان آنان سخت‌گیر و متشدد بود و کاملا به صفت "رحماء بینهم" و "أشداء علی الکفار" متصف بود. ایشان همان‌گونه که در جهاد عملی علیه کمونیست‌ها شرکت داشت، به همین روش از روز اول با قلم، زبان و اندیشهٔ خود به مبارزه مستمر و مؤثری علیه صلیبیان کافر پرداخت. چون وی تمام زندگی خود را وقف خدمت به دین خدا کرده بود، به گفتهٔ دوستان بسیار نزدیکش، وی همواره در دعاهای خود از بارگاه خداوند متعال، خواستار شهادت بود.

سرانجام وی در ۱۴۰۳/۱/۳۰ هـ.ش، پس از ادای نماز جماعت، طی حملهٔ ناجوانمردانهٔ دشمنان دین و دیار، با زبان روزه (روزهٔ مسنون شوال) جام شهادت را نوشید.

إنا لله وإنا إلیه راجعون.

مراسم تشییع جنازه و خاک‌سپاری:

رحلت حضرت شیخ صاحب نه تنها در خانوادهٔ ایشان بلکه در سراسر کشور نوعی تأثیر و اندوه برجای گذاشت. خبر شهادت وی در قالب یک فاجعه و حادثهٔ بزرگ منتشر شد. پیکر مبارک‌شان به دستور مقام رهبری با هلی‌کوپتر مخصوص از محل شهادت به زادگاهش منتقل شد. نماز جنازهٔ ایشان در ولسوالی شاه‌جوی ولایت زابل به امامت مفتی فضل‌الله فاضل، فرزند حضرت شیخ صاحب

با شرکت هزاران نفر اقامه گردید و در غبرگی، قریهٔ خودشان به خاک سپرده شد. مراسم فاتحهٔ حضرت شیخ صاحب به مدت دو روز در ولسوالی شاه‌جوی، یک روز در قلات مرکز ولایت زابل، دو روز در ولایت قندهار و همزمان سه روز در شهر کویتهٔ ایالت بلوچستان توسط احبابش برگزار شد.

هم‌دردی و تأثرات:

شهادت حضرت شیخ صاحب برای همهٔ هم‌وطنان حادثهٔ غم‌انگیز بزرگی بود، حتی امیرالمؤمنین بسیار اندوهگین و دردمند شد. به گفتهٔ یکی از حاضران در مجلس امیرالمؤمنین حفظه‌الله ایشان در روز شهادت شیخ صاحب بسیار اندوهگین و افسرده بود. با کمال تاسف و حسرت گفت: شهادت شهید شیخ محمدعمرجان آخندزاده ضایعهٔ بزرگ و جبران‌ناپذیری برای نظام و کشور اسلامی ماست، و همهٔ ما را اندوهگین نمود. پس از یادآوری چند خاطره دعا نمود که خداوند شهادت‌شان را بپذیرد و جنت فردوس را جایگاه‌شان قرار دهد.

جناب نورالله نوری، وزیر سرحدات، اقوام و قبایل گفت: شهید شیخ محمدعمرجان آخندزاده صاحب تقبله‌الله عالم یک ولسوالی و ولایت نبود، بلکه از علمای سطح کشور و منطقه بود. شهادت ایشان مصیبت بزرگی است اما از طرفی مایهٔ مباهات هم هست که تمام عمر خود را در راه خدمت به دین خداوند متعال گذراند و خون پاکش را نیز در این راه تقدیم خداوند کرد.

جناب امیر خان متقی، وزیر محترم امور خارجه فرمودند: ما از قدیم با شهید شیخ صاحب و مرحوم آخندزاده صاحب ارتباط نزدیک داشته‌ایم و ایشان همیشه ما را از نظر دینی رهبری نموده است. نقش ایشان در تسلسل علمی خانواده ما خیلی بارز بود.

محترم ملا عبدالمنان عمری، وزیر کار و امور اجتماعی فرمودند: شهید شیخ صاحب یکی از معدود افرادی بود که در یک زمان، هم عالم مشهور، هم رهبر سیاسی، و هم متنفذ قومی و شخصیت منطقوی بود. شهادت ایشان مصیبت بزرگی‌ست زیرا ما را همزمان از سه‌چهار زاویه با خلا مواجه کرد.

تصانیف:

شهید شیخ تقبله‌الله علی‌رغم مشغله‌های کاری، آثار منتشرنشده‌ای نیز داشت از جمله از آن‌ها:

۱_: فضل من الله شرح کندیا؛

۲_: احسن التحقیقات فی اثبات الکواکب تحت السموات؛

۳_: تحفه الأناث فی مسائل الحیض والنفاس؛

۴_: قله البضاعه فی مسائل الرضاعه؛

۵_: الحواشی علی مسلم الثبوت؛

٦_: البضاعه المزجات فی اصلاح التجارات.

علاوه بر کتاب‌های فوق به زبان پشتو نیز چند اثر دارد که عبارتند:

۷_: د رسول الله صلی الله علیه و سلم ټولنیز ژوند؛

۸_: تصوف د شریعت په رڼا کې؛

۹_: د اعتکاف احکام؛

۱۰_: د اولاد اسلامی تربیه.

چند رساله و کتاب چاپ‌نشدهٔ دیگری هم تصنیف نموده است که ان‌شاءالله به زودی منتشر خواهند شد.

الله متعال جای ایشان را در جنت الفردوس قرار دهم.





بیانیه‌ها و اعلامیه‌های رسمی امارت اسلامی افغانستان

گزارش بعض از اعضای سازمان ملل متحد، به خصوص گزارش ریچارد بینت، تلاش برای تخریب اذهان در آستانه نشست دوحه می باشد.

متأسفانه بعض از اشخاص عُقده‌ای در سازمان ملل همیشه تلاش دارند، تا از افغانستان تصویر نادرست را ارأیه کنند و پیشرفت های بزرگ را تحت شعاع موضوعات محدود قرار دهند.

امارت اسلامی افغانستان موقف حمایوی بعض از کشورها درسازمان ملل را تقدیر مینماید، حقیقت این است که باید با امارت اسلامی تعامل مثبت وسازنده صورت گیرد.

تلاش فشارها و دسایس هنوز هم ناکام می شوند، دوام و تکرار آن آزمودن تجارب ناکام می باشد، امیدواریم دیگر واقعیت ها درک شده و موقف سازنده اتخاذ گردد.

ذبیح الله مجاهد

سخنگوی امارت اسلامی افغانستان

امارت اسلامی افغانستان همواره بر گفت‌وگوهای جامع و نتیجه‌محور روی مسائل مشترک تاکید دارد

وزارت امور خارجهٔ امارت اسلامی افغانستان از اظهارات آقای سرگی لاوروف، وزیر خارجهٔ

روسیه مبنی بر حمایت از گفت‌وگوهای بیشتر باثبات، دوامدار و حقیقی با حکومت افغانستان استقبال می‌کند.

امارت اسلامی همواره تاکید کرده است که به عنوان حکومتی مسئول، آماده است با همه جوانب روی مسائل مشترک گفت‌وگوهای جامع و نتیجه‌محور داشته باشد.

حکومت افغانستان به همه کشورها به شمول روسیه تصریح می‌کند که با پایان اشغال در افغانستان، عوامل ناامنی از بین رفته است و با آن، زمینه برای سرمایه‌گذاری و تطبیق پروژه‌های بزرگ در افغانستان نیز مساعد شده است.

۲۳/۰٦/۲۰۲۳

وزارت امور خارجهٔ امارت اسلامی افغانستان از اعلام سفیر غیر مقیم نیکاراگوا برای افغانستان استقبال می‌کند

امارت اسلامی افغانستان برای نخستین باز با تعیین سفیر غیرمقیم جمهوری نیکاراگوا برای افغانستان در بیجینگ موافقت نمود و از آن استقبال می‌کند.

وزارت امور خارجه به سفارت کبرای ا.ا.ا در بیجینگ هدایت داده است تا با سفارت نیکاراگوا در بیجینگ روابط نزدیک کاری داشته باشد.

وزارت امور خارجه ایجاد روابط دیپلوماتیک با جمهوری نیکارگوا را پیشرفتی مثبت می‌داند و امیدوارست روابط دوجانبه در بخش‌های مورد علاقه میان دو کشور گسترش بیشتر یابد.

۲۳/۰٦/۲۰۲۳

واکنش سخنگوی وزارت امور خارجهٔ امارت اسلامی افغانستان در رابطه به اظهارات نخست‌وزیر آلمان در مورد اخراج اتباع افغانستان از آن کشور

وزارت امور خارجهٔ امارت اسلامی افغانستان تصمیم اخراج مهاجرین افغان از آلمان را تعقیب می‌کند و ابراز امیدواری می‌کند که دو کشور بتوانند به منظور تامین حقوق اتباع، موضوع را طوری از مجاری دیپلوماتیک مدیریت کنند که اتباع افغانستان به بهانه‌ای به سرنوشت نامعلوم دچار نشوند و خلاف کنوانسیون‌های پذیرفته شدهٔ بین‌المللی به کشوری سوم سپرده نشوند.

امارت اسلامی افغانستان از مقامات کشور آلمان می‌خواهد تا این موضوع را در روشنایی تعاملات نورمال قونسلی و میکانیزمی معقول و بر اساس توافق دوجانبه حل کنند.

۰۷/۰٦/۲۰۲۳



رسم شهیدان

در جهان، هنگامه‌های سبز قرآن زنده باد / در دل سنگر، چراغ پاسداران زنده باد
بوسه باید زد به دستِ شیرها، چون هر یکی / بشکند گرگ جفا را چنگ و دندان، زنده باد
ای به خون خود، به ما آزاده‌گی آموختند / در میان رسم‌ها، رسم شهیدان زنده باد
ملت ما، با کمال میل و رغبت می‌خرند / جنس استقلال را با قیمت جان، زنده باد
در دیار ما، بروید غیرت و مردانه‌گی / گل کند نیروی حق، بر ضد شیطان، زنده باد
گرچه از دنیا دریغا (شیر) و هم (شمشیر) رفت / لیک شیرِ عصر و هم شمشیرِ دوران زنده باد
آب‌یاری شد به خون تو درخت انقلاب / ای مجاهد، ای مبارز، ای مسلمان، زنده باد!
شاعران، آیینه‌داران شکوهِ کشور اند / تا قیامت این همه آیینه‌داران زنده باد
حامد تاتار می‌گوید؛ به لحن آفتاب / این وطن را فخر و تاریخِ درخشان زنده باد

پی‌نوشت: ششیر و شمشیر داخل قوس؛ اشاره به حضرت علی رضی الله عنه و حضرت خالد رضی الله عنه است که شیر خدا و شمشیر خدا بودند.

عبدالله حامد تاتار



حکایت

علم و مال

دو شاهزاده در مصر بودند، یکی علم اندوخت و دیگری مال اندوخت. عاقبة الامر آن یکی علّامه عصر گشت و این یکی سلطان مصر شد. پس آن توانگر با چشم حقارت در فقیه نظر کرد و گفت: من به سلطنت رسیدم و تو همچنان در مسکنت بماندی. گفت: ای برادر، شکر نعمت حضرت باری تعالی بر من واجب است که میراث پیغمبران یافتم و تو میراث فرعون وهامان. که در حدیث نبوی (ص) آمده: العلماء ورثه الانبیاء

من آن مورم که در پایَم بمالند / نه زنبورم که از دستم بنالند
کجا خود شکر این نعمت گزارم / که زور مردم آزاری ندارم؟

سعدی

غزل

یـم به ببوســه خو په ځان د چا احســان نه منم
له لوړې مرم خو سوال کول دومره آسان نه منم

مینــه کوم مینه خــوروم خو تر یــو حده پورې
چــې مې عزت پکې لوټ کیږي بیا جانان نه منم

انســانیت تــه کار پــکار دی دې ټولنې کې خو
چې انســانیت په چا کې نه وي دا انسان نه منم

چــې د پښــتون او د افغــان له نامــه ګټه اخلي
د داســې بیحد بې ضمیرو هیــڅ وجدان نه منم

مینــه کول خــو دلته جرم دی اعلان پرې وشــو
زه دې منصور غوندې په دار شم دا اعلان نه منم

لــه پیـل تر پایــه یې مېرانــه پکې کــړې نه وي
لوســتل خو پریږده زه له سره دا داستان نه منم

چــې مونــږ یــو چاتــه اراده د محبــت وکړلــه
وایــې چې نــې غواړمــه دا لایق د ځــان نه منم

چــې د حیا له دایــرې هاخوا کلمات را ټول کړي
مشــکور وای زه خو دا بې پته شــاعران نه منم

محمدموسی مشکور



در مقام بلند مادر

کیست مادر ؟؟؟

کیست مادر؟ گوهری از درج معنا ریخته
بارش رحمت بود کز عرش اعلا ریخته

کیست مادر، آفتاب آسمان عز و جاه
قبه‌ی نوری ز بام حق تعالی ریخته

در مقام قرب، از اکرام، مریم ساخته
در سرای حسن اعزاز زلیخا ریخته

کیست مادر، آن عشیقی کز وفا در پای صدق
پیش مهرش، آبروی عشق لیلا ریخته

کیست‌مادر، آن که می بخشد به هستی آب و رنگ
آب و رنگ زندگی در گوهر ما ریخته

بر سپهر آدمیت، تربیت را بانی‌ای
درس او شیرازه‌ی امروز و فردا ریخته

مادرا! گلدسته‌بند باغ دین و دانشی
سرمه‌ی بینائی اندر چشم اعمی ریخته

جای دارد در صفوف امهات المومنین
کوثری از نور در سیمای دریا ریخته

گوهر اندر فطرت از آسیه و هاجر زده
جوهر از آئینه بر آئین حوا ریخته

خال نازی بر جبین آفرینش مادر است
کز صفا شالوده ی امروز و فردا ریخته

جای آب زنده گانی شیره‌ی جان میدهد
انگبین در کام ها آن ماه سیما ریخته

شبنم طبع «همایی» مادرا در مقدمت
در سحر گلواژه‌های شعر زیبا ریخته

عبدالخالق همایی

Do not grieve; always remember Allah, for as the Holy Word says: «Verily, in the remembrance of Allah do hearts find rest.» Do not grieve; all sorrows are lesser and further away from the worth of grieving.

False Oaths in Islam

Author: Abdul Lala Kamyar Ahrary

Actions that lead to disrespecting Allah:

1. Taking false oaths in the name of Allah for financial gain, benefit, or advancing personal interests.
2. Insulting those who invoke beings other than Allah (non-believers), which may lead them to disrespect divine and religious sanctities.

In the Holy Quran, Allah repeatedly asks His servants to uphold His respect on Earth and to refrain from actions that disrespect Him. Therefore, we will now delve into the verses related to this topic.

In Surah Al-Baqarah, verse 224 states: «And do not make [your oath by] Allah an excuse against being righteous and fearing Allah and making peace among people. And Allah is Hearing and Knowing.»

The Impact of Historical and Cultural Values on the Lives of the Afghan People

Author: Mohammad Sidiq Mir

There is no doubt that Afghanistan, as country rich in historical and cultural heritage, has been renowned on the world stage since ancient times and will continue to be a subject of interest in the future. Now, the question arises: do these historical and cultural issues, which we refer to, impact the livelihood and existence of the people of this ancient land? This question will be addressed here.

First, we observe how deeply rooted the history of this country extends. Whether through printed media or visual representations, Afghanistan is often depicted as a country that was the cradle of several great civilizations before Islam, witnessing their growth and flourishing. This underscores that Afghanistan›s historical background is significantly longer than what is commonly stated today, stretching far beyond the five thousand years we often mention.



The Man Who Made a Deal with Allah

Author: Abdul Karim Azizi

Hazrat Osman ibn Affan (may Allah be pleased with him), the loyal companion and son-in-law of our Prophet Muhammad (peace be upon him), used his wealth in pursuit of Allah›s pleasure and the advancement of Islam. Today, more than a thousand years after his time, he remains among those individuals whose deeds are recorded in the divine ledger.
The story of Hazrat Osman ibn Affan (may Allah be pleased with him) is one that leaves a profound impression on humanity.
The tale of his hotel adjacent to Masjid al-Nabawi in Medina, built during his tenure as the third great caliph of Muslims, narrates his extraordinary transactional history with the Almighty.

Youthful Valor and Its Place in Afghanistan
The Importance of Cooperation and Assistance in Helping Flood Victims

Author: Ahmadullah Jalali

Youthful valor holds a distinctive position in Afghanistan›s history and culture as one of its foremost ethical and cultural principles. This concept, embodying traits like courage, generosity, solidarity, and justice, not only shapes personal conduct but also plays a pivotal role in social and national interactions. In a country grappling with multifaceted challenges such as war, poverty, and natural disasters, youthful valor stands as a cornerstone value capable of profoundly contributing to fostering solidarity and bolstering societal frameworks. This article examines the significance of youthful valor within Afghan culture and underscores the importance of cooperation and mutual aid, particularly in confronting crises like floods.

The Tourism Industry in Afghanistan

Author: Shafiqa Amiri

Tourism, broadly defined as recreational travel undertaken by individuals to explore leisure destinations and historic sites worldwide, involves planning journeys from one country to another. Unlike other types of travel, tourism also serves promotional purposes, with travelers often choosing destinations offering better services, more attractive locations, and enhanced facilities.
Following World War II, tourism and recreational travel emerged as a significant industry in countries worldwide, including Afghanistan.

Do Not Grieve, Await Relief from Suffering and Sorrow!

Author: Sayed Sadeq Gilani

Do not grieve, for the Lord has created the earth and all that is in it for you. Do not grieve; you drink pure and clear water, inhale the fresh air freely, walk on your feet with health, and…

Summary of the Contents of This Issue of «Haqiqat» Magazine in English

Translator and editor: Hishmat Naseri

Editorial

Countless successes of the Emirates despite negative Western propaganda;
Once again financing the national budget from domestic sources.
Over the past three years that the Islamic Emirates have ruled Afghanistan, contrary to foreign negative propaganda, they have managed to finance the national budget from domestic assets.
In recent three years, Afghanistan has been able to manage domestic assets better and more than forty years ago, achieving unprecedented achievements such as approving the national budget financed from domestic sources.
In the twenty years before the recent three years, when foreign aid flowed to Afghanistan and the national budget was supplemented with foreign aid, there were still numerous problems and could not meet domestic needs.

Yet not read the Quran; criticizes Islam!

By Dr. Faqihi Heravi

I publish this article on the occasion where one of the opponents of religious thought has penned a tale without studying the Holy Quran, intending to ridicule Islamic ideology.
Original passage of my writing:
One day, someone expressed an opinion to me, stating, «Islam lacks a comprehensive plan for human life in the realms of politics, economics, social matters, and civil affairs.» In response, I remarked, «Without specialized knowledge and a thorough understanding of Islam, how can one justify such criticism and assertions?»
He retorted, «You adherents of religion have appropriated Sharia law as your personal domain and deny others the right to express opinions. Such a right is not yours to claim. I have the right to critique.

Resolving International Political Issues in Today›s World: Solely Through Dialogue and Diplomacy

Author: Jawed Sultani

In today›s global context, unilateral policies are inadequate. International law and frameworks require nations to adhere to a series of laws and international values based on mutual respect for reciprocal rights.
Governments around the world have established specific entities, including foreign ministries, the United Nations, unions, and similar bodies, to address various issues and bolster their mutual relations.
These institutions hold significant sway in shaping countries› foreign policies. They have effectively contributed not only to strengthening intergovernmental relations but also to resolving challenges and facilitating exchanges across diverse arenas on the global stage.

سخن روز

از فرصت‌های موجود باید استفاده کنیم!

این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که علما و طلاب علوم دینی و همه مجاهدان و مبارزان موحدپرست پس از چندین دهه مجاهدت‌ها، مبارزه‌ها و فداکاری‌های مداوم و جان‌بازی‌های بی سابقه امنیت بی‌نظیری را در سراسر کشور برقرار کرده و گلیم شر و فساد را جمع کرده‌اند. در این مبارزه و رویارویی طولانی و دردناک، میلیون‌ها نفر از مردم متدین، مخلص و مؤمن ما جان خود را از دست دادند؛ شهادت‌ها، معلولیت‌ها، مهاجرت‌ها، زندان‌ها، خانه‌های ویران، یتیم شدن فرزندان عزیز و فقر را پذیرفتند اما کشور عزیز و هموطنان خود را هم از متجاوزان خارجی و هم از مزدوران داخلی آن‌ها، لندغرها، مفسدین، تجزیه‌طلبان، شیادان و دشمنان ارزش‌های معنوی و ثروت مادی ملت مؤمن افغانستان نجات دادند.

تا اینکه الحمدلله اکنون از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب، نظام مرکزی و قوی بر سرتاسر کشور حاکم است، امنیت مستحکم است و هیچ آشوب‌گر، فتنه‌گر و فاسدی جرات ندارد سر خود را بالا کند.

برکت همین سربازان و رزمندگان مخلص است که در این ایام اعیاد، جمعه‌ها، عروسی‌ها، جنازه‌ها، سایر برنامه‌های زندگی و انواع فعالیت‌های اقتصادی ما در فضایی امن و رضایت‌بخش برگزار می‌شود. اکنون به ایجاد تعصب و گسترش نفاق بین اقوام مختلف کشور اجازه داده نمی‌شود، دهان رسانه‌های نفرت‌انداز بسته است و به دین، سر، ناموس، عزت و مال کسی تهدید متوجه نیست.

این مسئولیت سنگین و تاریخی بر دوش رزمندگان دینی و ملی ما بود که با یاری خداوند متعال و کمک همه جانبه هموطنان مان آن را به انجام رساند و همچنان شبانه‌روز در راه توسعه، پیشرفت و پایداری تلاش می‌ورزند.

با توجه به این امر، اولین مکلفیت عموم هموطنان اکنون این‌ست که شکر خداوند را در قبال امنیت مطمئن موجود به‌جا آورده و جهت حفظ ثبات و استقلال نظام حاکم از صمیم قلب همکاری نمایند. علاوه بر این، دومین مسئولیت شان این‌ست که با هم در جهت سازندگی و آبادانی کشور گام بردارند زیرا مجاهدین مسئول تامین امنیت، دست‌گیری مفسدان و فراهم آوردن فرصت مناسب برای کار و فعالیت هستند. بیشتر از این هر هموطن بدون شک در توسعه‌ی اقتصادی کشور مسئولیت یک‌سان با حکومت دارد. هر فرد ملت افغانستان باید این احساس را درک کند و به اندازه توانش از امارت اسلامی حمایت نماید.

ویب سایت الاماره (دری)

سرطان ۳, ۱۴۰۳

HAQIQAT

Islamic, Political & Jihadi Bimonthly Magazine





برداشت
میوه‌های
گرمسیری
افغانستان





توئیتر Twitter.com/HaqiqatMagazine

تلگرام T.me/haqiqatmagazine

ایمیل haqiqat_mag@yahoo.com
haqiqat_mag@gmail.com

واتساپ
۰۰۹۳-۷۹۴۳۶۹۲۹۹